



پوهنتون کابل

پوهنځی شرعیات

کمیته ماستری

رشته تفسیر و حدیث

تحقیق و بررسی عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم

محقق: احمد خالد (عزیز)

استاد رهنما: پوهنوال دکتور عبدالقاهر (عابد)

کابل: ۱۴۰۳ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه

هدف از این تحقیق بحث پیرامون عدالت اجتماعی در قرآن کریم و بررسی نقش این اصل مهم در اصلاح جامعه، رابطه آن با سایر مفاهیم و زمینه های تحقق آن از منظر قرآن است که با تمرکز بر مطالعات استقرائی، با استفاده از تحقیق مستند، داده های مورد نیاز استخراج، تحلیل، توصیف و تفسیر شده است. عدالت اجتماعی به معنای برابری و انصاف در دسترسی افراد و گروه های مختلف جامعه به فرصت ها، امکانات و خدمات است. قرآن کریم همواره به نقش محوری و جداناپذیر، بر عدالت اجتماعی تأکید دارد. ایجاد نظام و ساختارهای اجتماعی و سیاسی منطبق با اهداف پیامبران، یکی از کارکردهای اساسی عدالت اجتماعی است که نیازمند اصلاح درونی و تعهد جامعه به عدالت خواهد بود.

ایجاد نظام و ساختارهای اجتماعی و سیاسی منطبق با اهداف پیامبران، یکی از کارکردهای اساسی عدالت اجتماعی است که نیازمند اصلاح درونی و تعهد جامعه به عدالت خواهد بود. گسترش و تحقق عدالت، یکی از مهم ترین مسئولیت های فردی و اجتماعی در نگاه قرآنی است. قرآن کریم بر توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه تأکید می کند و با نهي از انباشت ثروت و تأکید بر پرداخت زکات و صدقات، به دنبال بر هم زدن بی عدالتی اقتصادی و ایجاد تعادل در جامعه است. این مطالعه به بررسی نقش این اصل مهم در اصلاح جامعه، رابطه آن با سایر مفاهیم و زمینه های تحقق آن از منظر قرآن می پردازد.

در مجموع، عدالت در اجتماع از منظر قرآن کریم مفهومی فراگیری است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد و تحقق آن هدف اصلی و وظیفه اساسی جامعه اسلامی است.

در نتیجه قرآن کریم عدالت را نه تنها وسیله ای برای دستیابی به اهداف والا تر، بلکه هدفی ذاتی و درونی می داند که تحقق آن حیاتی و اساسی برای استقرار آرمان های دینی و الهی است.

کلمات کلیدی: عدالت اجتماعی، قرآن کریم، جامعه، فرد. حق.

پیشگفتار

عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث در جوامع امروزی است. این مفهوم به برابری و انصاف در دسترسی به فرصت‌ها، امکانات و خدمات اشاره دارد.

بنا بر لزوم دید اعضای محترم علمی کمیته ماستری تفسیر و حدیث، پوهنخی شرعیات پوهنتون کابل در یک اقدام مناسب و علم دوستانه ایجاب کرد که رساله تحقیقی خویش را تحت عنوان (تحقیق و بررسی عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم) به بررسی گیرم که لله الحمد با استقبال گرم عده زیادی از علم دوستان همراه گردید و من هم منتظر چنین فرصتی بودم و با توجه به اهمیتی که این موضوع داشت، تا حد توان کوشش نمودم که آن را به طور سلیس، روان و ساده نگاری که برای هرخواننده قابل فهم باشد، با استفاده از مراجع معتبر و معیاری، آماده نموده و در آن تمام اصول تحقیق را رعایت نمایم.

در این فرصت جا دارد که از تمام اعضای محترم علمی کمیته ماستری پوهنخی شرعیات پوهنتون کابل و هیات رهبری آن، استادان عالیقدر به ویژه استاد رهنمایم محترم پوهنوال دکتور عبدالقاهر عابد که با وجود مسئولیت های فراوان، لطف نموده اند؛ باز نگری این اثر تحقیقی را به عهده گرفته و با رهنمودهای ارزشمند، سازنده، علمی و مشوره های مفید شان به ارزش این تحقیق افزودند، تشکر نمایم و همچنان از سایر کسانی که به نحوی بنده را در این امر مهم یاری رسانده اند صمیمانه قدردانی، سپاس و اظهار امتنان نمایم.

امیدوارم نگارش رساله حاضر برای پیشبرد و متحقق نمودن عدالت اجتماعی کمک نموده، ممد و مفید واقع شود.

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه
فصل اول	
کلیات و مفاهیم	
۷.....	مبحث اول: مفهوم لغوی واصطلاحی عدالت و اجتماع
۷.....	مطلب اول: شناخت عدالت
۷.....	الف: عدالت در لغت
۱۰.....	ب: مفهوم اصطلاحی عدالت
۱۱.....	مطلب دوم: ورود کلمات عدالت و مشتقات آن در قرآن کریم
۱۱.....	۱- معانی لغوی قسط
۱۲.....	۲- معانی لغوی حق
۱۴.....	۳- معنای لغوی قسطاس
۱۴.....	۴- معنای لغوی میزان
۱۵.....	۵- معنای لغوی سواء
۱۷.....	د: اجتماع در لغت
۱۸.....	هـ: تعریف اجتماع در اصطلاح
۱۹.....	مطلب دوم: مفهوم عدالت اجتماعی در اصطلاح و منظور از آن در قرآن کریم
۱۹.....	(أ) تعریف اصطلاحی عدالت
۲۱.....	(ب) منظور از عدالت اجتماعی در قرآن کریم
۲۲.....	مبحث دوم: فواید و اهمیت عدالت اجتماعی
۲۳.....	مطلب اول: فواید عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم
۲۶.....	مطلب دوم: تفاوت عدالت، قسط، مساوات، انصاف و احسان
۲۶.....	الف: عدل
۲۷.....	ب: قسط
۲۷.....	ج: مساوات
۲۹.....	د: انصاف
۳۰.....	ه: احسان

مطلب سوم: اهمیت عدالت اجتماعی ۳۱

فصل دوم

جایگاه عدالت اجتماعی از نظر قرآن کریم

مبحث اول: انواع عدالت قرآنی ۳۴

مطلب اول: عدالت قضایی ۳۵

الف: مفهوم عدالت قضایی ۳۵

ب: عدالت قضایی در قرآن کریم ۳۶

مطلب دوم: عدالت اقتصادی، خانوادگی و بین المللی ۳۸

الف: مفهوم عدالت اقتصادی ۳۸

ب: عدالت اقتصادی در قرآن کریم ۳۹

ج: عدالت خانوادگی ۴۲

د: عدالت میان ملل ۴۳

مبحث دوم: ویژگی های عدالت اجتماعی ۴۴

مطلب اول: ویژگی ها و موضوعات مرتبط به عدالت اجتماعی ۴۴

الف: ویژگی ها ۴۴

ب: اهداف تطبیق عدالت در اجتماع ۵۰

ج: تأمین امنیت و رفاه اجتماعی ۵۱

د: مظاهر عدالت اجتماعی ۵۱

مطلب دوم: نقش عدالت در بوجود آمدن جامعه سالم ۵۵

الف: تقسیم عادلانه منابع و فرصت ها ۵۵

ب: برخورداری همه از حقوق و خدمات اساسی ۵۵

ب: تضمین بی طرفی و برابری در قوانین و مقررات ۵۶

ج: مبارزه با فساد و تبعیض ۵۶

فصل سوم

مهمترین مباحث قرآنی پیرامون عدالت اجتماعی

مبحث اول: راهکارها، و ابعاد عدالت اجتماعی در قرآن کریم ۶۰

مطلب اول: راهکارهای عدالت اجتماعی در قرآن کریم ۶۰

۶۰	الف: برابری و عدم تبعیض
۶۲	ب: توزیع عادلانه ثروت
۶۳	مطلب دوم: ابعاد عدالت از نظر قرآن
۶۴	الف: عدالت با نفس
۶۶	ب: عدالت با دیگران
۶۷	ج: عدالت در گفتار
۶۸	مبحث دوم: اساسات عدالت اجتماعی
۶۸	مطلب اول: آزادی وجدانی
۷۱	مطلب دوم: مساوات انسانی
۷۴	مطلب سوم: تکافل اجتماعی
۷۵	الف: همبستگی و مسئولیت پذیری اجتماعی
۷۵	مطلب چهارم: پیامدهای تطبیق عدالت اجتماعی
۷۵	الف: آموزش
۷۶	ب: حفظ محیط زیست
۷۶	ج: امنیت غذایی
۷۶	مطلب پنجم: نمونه هایی از عدالت محمد صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین
۷۶	الف: نمونه از عدالت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم
۷۹	ب: نمونه ای از عدالت ابوبکر صدیق رضی الله عنه
۸۰	ج: نمونه ای از عدالت عمر فاروق رضی الله عنه
۸۱	د: نمونه از عدالت عثمان رضی الله عنه
۸۳	هـ: نمونه ای از عدالت علی بن ابی طالب رضی الله عنه
۸۶	نتایج
۸۷	مناقشه
۸۹	نتیجه گیری
۹۱	پیشنهادات
۹۲	منابع و مأخذ

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

اما بعد

عدالت اجتماعی به برابری و فرصت‌های یکسان در جامعه اشاره دارد. این اصطلاح به این مفهوم است که همه‌ی افراد جامعه باید به طور مساوی به منابع، امکانات و خدمات دسترسی داشته باشند و در محیطی عادلانه زندگی کنند. عدالت اجتماعی همچنین بر مفاهیمی مانند برابری، همبستگی اجتماعی، رفاه همگانی و حق برخورداری از فرصت‌های برابر تأکید دارد. این مفهوم موضوعی پیچیده و چندبُعدی است که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر قرآن کریم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت موضوع

تحقیق و بررسی در زمینه عدالت اجتماعی اهمیت خاصی دارد که می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

شناخت دقیق‌تر چالش‌ها و موانع پیش روی تحقق عدالت اجتماعی: تحقیق‌های علمی می‌توانند عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را که بر عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارند، شناسایی و بررسی کنند.

ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت عدالت اجتماعی: بر اساس یافته‌های پژوهشی، سیاست‌گذاران و متخصصان می‌توانند اقدامات موثر و هدفمندی را برای افزایش برابری و توسعه عدالت اجتماعی طراحی و اجرا کنند.

افزایش آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان: تحقیقات و مطالعات گسترده در این زمینه می‌توانند سطح آگاهی و مشارکت مردم را در زمینه عدالت اجتماعی افزایش دهند.

بهبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در محیط عدالت اجتماعی: نتایج پژوهش‌ها می‌توانند به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران در طراحی و اجرای برنامه‌های مربوط به عدالت اجتماعی کمک کنند.

توسعه و تعمیق مباحث نظری در بخش عدالت اجتماعی: تحقیق و بررسی می‌توانند به شکل‌گیری و گسترش مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با عدالت اجتماعی کمک نمایند. باتوجه به اهمیت این موضوع، در ادامه به تشریح بیشتر اهمیت تحقیق در زمینه عدالت اجتماعی می‌پردازیم:

شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر و اقدامات هدفمند برای کاهش نابرابری‌ها: تحقیقات می‌توانند افراد و گروه‌های محروم، ضعیف و آسیب‌پذیر را شناسایی کرده و راهکارهایی برای رفع نابرابری‌های آنان ارائه دهند.

ارزیابی پیشرفت در تحقق عدالت اجتماعی: تحقیقات دوامدار می‌توانند به اندازه‌گیری و ارزیابی مقدار پیشرفت در زمینه عدالت اجتماعی کمک کنند تا زمینه لازم برای بهبود سیاست‌ها و برنامه‌ها فراهم شود.

شناسایی و تقویت عوامل مؤثر بر عدالت اجتماعی: تحقیقات می‌توانند عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تحقق عدالت اجتماعی را شناسایی کرده و راهکارهای تقویت این عوامل را ارائه دهند.

تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت شهروندان: تحقیقات عملیاتی در این قسمت می‌توانند به ایجاد تعامل و همدلی بین اقشار مختلف جامعه کمک کرده و به افزایش مشارکت مردم در تحقق عدالت اجتماعی بینجامند.

اسباب اختیار موضوع

اسباب و عواملی که سبب شدند تا بنده موضوع تحقیق و بررسی عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم را اختیار نموده و آن را مورد بحث قرار دهم زیاد بوده که مهم‌ترین آن‌ها قرار ذیل تذکر داده می‌شود:

- ۱- علاقمندی خود محقق به قضایای معاصر که از جمله آن عدالت اجتماعی در قرآن کریم می‌باشد.
- ۲- نبود همچون یک بحث تحقیقی به زبان ملی در کشور هم باعث شد که بنده جهت پُر نمودن این خلاء موضوع فوق را اختیار نمایم.
- ۳- تبلیغات دشمنان اسلام مبنی بر اینکه گویا عدالت اجتماعی در اسلام، وجود ندارد.
- ۴- پرسش‌های زیادی در مورد عدالت اجتماعی، باعث شد که موضوع فوق اختیار گردد و روی آن بحث صورت گیرد.

هدف

هدف این رساله ای تحقیقی جمع آوری آیات مرتبط به عدالت اجتماعی در قرآن کریم و بیان کردن صورت‌ها و ساحات تطبیقی آن است، تا دانسته شود که قرآن کریم عدالت اجتماعی را چگونه میان مسلمانان، نهادینه نموده است؟ و نیز تبلیغات دشمنان اسلام نقشی بر آب گردد.

پیشینه موضوع

در قرآن کریم، مفهوم عدالت اجتماعی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. آیاتی مانند "إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" بر اهمیت عدالت در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارند.

۱-(سوره نحل، آیه ۹۰)

در سیره و احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) نیز مسائل مربوط به برابری و عدالت اجتماعی به طور گسترده مطرح شده است. از جمله می توان به حدیث "الناس سواسیه كأسنان المشط" اشاره کرد که تأکید بر برابری و عدم تبعیض میان افراد جامعه دارد.

ابن خلدون در کتاب "مقدمه" به تحلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر برقراری عدالت پرداخته است. همچنین شاه ولی الله دهلوی در آثار خود به موضوعاتی مانند امر به معروف و نهی از منکر و حمایت از محرومان توجه داشته است؛ اما این دو بحث فوق به حیث بحث های تحقیقی مستقل، در قرآن کریم محسوب نمی گردد.

ابو علی بن سینا در کتاب "الشفاء"، به اهمیت برقراری عدالت در جامعه اشاره کرده و معتقد است که جامعه عادلانه باید بر مبنای حکمت و فضیلت اخلاقی بنا شود. و در کتاب "القانون فی الطب"، به مباحث مربوط به توزیع عادلانه امکانات و تأمین رفاه اجتماعی پرداخته است. اما از این که کتاب های مذکور بحث مستقلی را در مورد عدالت اجتماعی در قرآن کریم تذکر نداده؛ نیاز است که در این مورد بحث مستقلی صورت گیرد.

در قرن اخیر نیز اندیشمندانی چون سید قطب، مرتضی مطهری، آرای مهمی در زمینه عدالت اجتماعی از منظر اسلامی ارائه کرده اند. سید قطب و مطهری به مفهوم عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی اسلام توجه داشته اند، ولی این دو اثر مهم به طور خاص پیرامون عدالت اجتماعی در قرآن کریم نبوده بلکه بطور عام می باشد که نیاز تحقیق به طور مستقل در قرآن کریم را مرفوع نمی کند.

ویژگی رساله پیشرو این است که؛ اولاً، جوانب مختلف عدالت اجتماعی در نوشته های قبلی به طور همه جانبه و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است؛ ثانیاً، اصول استدلالی نوشته های قبلی به نظر محقق قابل بحث می باشند که در متن این رساله به تفصیل روی آن ها بحث صورت گرفته است و دیگر اینکه نوشته های قبلی اکثراً جنبه های عاطفی داشته و به زبان های بین المللی؛ مطابق

به وضعیت کشور های خود آن ها بوده که استفاده از آن برای مردم ما دشوار بوده و این تحقیق موضوع عدالت اجتماعی را مطابق واقعیت های عینی جامعه ما به بررسی گرفته است؛ تا باشد که مورد استفاده هموطنان ما قرار گیرد.

سوالات تحقیق

بنا بر آنچه که در فوق گفته شد می توان که سوالات تحقیق را قرار ذیل مطرح نمود:

الف: سوالات اصلی

۱- حقیقت عدالت اجتماعی چیست؟

ب: سوالات فرعی

۱- عدالت با عدالت اجتماعی چه ربطی دارد؟

۲- مرادفات عدالت اجتماعی در قرآن کریم چیست؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی بوده که در آن به استخراج آیات قرآنی با استفاده از منابع تفسیر با روش مذکور و تحلیل محتوا پرداخته شده است.

۱- در این تحقیق؛ هنگام استفاده از کلام و نوشتار دیگران، توثیق مراجع یا رفرنس دهی، طبق شیوه پوهنتون شیکاگو^(۱) ارجاع به منبع اصلی آنها صورت گرفته است.

۲- تمام رفرنس ها به شیوه، کتاب سبز تایید شده وزارت محترم تحصیلات عالی، نوشته شده است؛ به این مفهوم که درمستند سازی آن (شهرت پدید آورنده، محقق، تاریخ انتشار، عنوان اثر، طبع، محل نشر، صفحه (برای کتاب ها) و نام نشریه های علمی برای مقاله ها، شماره، دوره،

۱- شیوه مذکور در پوهنتون شیکاگو، واقع آمریکا تدوین شده است، این روش به تفصیل به معرفی روش استناد پرداخته و علاوه بر قواعد کلی شیوه استناد، انواع منابع را ارائه می کند. (ریاحی، ۱۳۹۶، روش رفرنس نویسی شیکاگو Sc-school of Chicago، ص: (۱).

صفحه و شماره نشریه اضافه شده و برای سایت های اینترنتی تاریخ مرور نیز در آن درج گردیده است.

۳- در نگارش این رساله سعی شده است که اقوال و دلائل دانشمندان متقدمین و معاصرین در رابطه به موضوع دریافت گردیده و بعد از بررسی، تحلیل و ارزیابی، همان قولی که به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیک تر بوده و با روح شریعت اسلامی همخوانی داشته باشد ترجیح داده شود.

۴- جهت برداشت درست مطالب و فراهم نمودن سهولت بیشتر برای خواننده این اثر، هرفصل و مبحث آن با مقدمه یا تمهید مختصری مرتب گردیده است.

۵- آیات قرآن کریم با ذکر اسم سوره و شماره آیه در پاورقی این اثر درج گردیده است.

۶- تخریج احادیث شریف، مطابق کتاب سبز وزارت محترم تحصیلات عالی، با ذکر جلد، ص، کتاب و باب مرتب گردیده است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

از اینکه عدالت اجتماعی امکان رشد و توسعه دوام دار جامعه را فراهم می کند، همبستگی و صلح را تقویت نموده، انصاف و برابری را ترویج می دهد و باعث می شود تا همه افراد احساس کنند که حقوق شان مورد احترام و توجه قرار می گیرد، بنا بر آن عدالت اجتماعی برای تنظیم بهتر جامعه و بهبود کیفیت زندگی افراد بسیار اهمیت دارد؛ و بدون فهم و توضیح کلیات ناممکن خواهد بود که به آن پی ببریم، از این جهت خواستیم که نخست کلیات و مفاهیم اولیه آن را در ضمن یک فصل توضیح داده و سپس بخش های بعدی را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم:

مبحث اول: مفهوم لغوی واصطلاحی عدالت و اجتماع

مطلب اول: شناخت عدالت

الف: عدالت در لغت

عدالت مصدر (عَدَلَ) نقیض «ظلم» است^۱؛ اما اهل لغت معانی زیادی برای آن ذکر کرده اند که مهم ترین آن ها قرار ذیل ضمن چند مثال توضیح می گردد: مثلاً در زبان عربی گفته می شود:

عَدَلَ عَدْلًا السَّهْمَ وَ نَحْوَهُ: تیر یا مانند آنرا راست کرد.

-عَدَلَ فُلَانًا: او را برابر کرد.

-عَدَلَ فُلَانًا بِفُلَانٍ: بین دو نفر را اصلاح نمود.

-عَدَلَ بَرِيَّةً: به خدا شریک ورزید.

-عَدَلَ الطَّرِيقَ: راه کج شد.

عَدَلَ عَدْلًا وَ عَدَالَةً وَ عُدُولَةً وَ مَعْدِلَةً: عادلانه رفتار کرد، انصاف نمود

۱- أبو نصر إسماعيل بن حماد الفارابي الجوهری (۱۴۰۷ هـ ق). الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين - بیروت، جلد (۵)، ص.

-عَدَلَ عَدْلًا و عُدُولًا هُ فِي الْمَحْمِلِ: با او سوار هودج شد.

-عَدَلَ عَنِ الطَّرِيقِ: از راه برگشت

-عَدَلَ إِلَيْهِ: بسوی او برگشت^۱. بنا بر آنچه که گفت شد، معانی عدل در قرآن کریم نیز واضح می

گردد و مثال های آن به طور ذیل تذکر داده می شود:

اول: قرار دادن چیزی در محل لایق و مناسب آن؛ این مفهوم وسیع، مصداق های زیادی دارد

از جمله: عدالت به معنای موزون بودن، عدالت به معنای رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض،

عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران، عدالت به معنای رعایت استحقاق ها و لیاقت ها و بالآخره

عدالت به معنای تزکیه و پاکسازی آمده است.^۲

اللّٰهُ مَتَعَالَى دَرِ قُرْآنِ کَرِیْمِ مِی فَرْمَیْد: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ

النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۳

ترجمه: خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آنها رد کنید و هنگامی که میان

مردم داوری می کنید به عدالت حکم کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند

می دهد خدا شنوای بیناست.

مفسرین کرام گفته اند: عدل رادر این آیه، به معنای فیصله نمودن به حق و انصاف است که

عبارت از رساندن حق به حق دار آن می باشد^۴. پس دانسته شد که یکی از معانی عدالت، قرار دادن

چیزی در محل لایق و مناسب آن می باشد و آن عبارت است از: اعطای حق برای صاحب حق و

مستحق آن.

۱- مروان عطیه و هیئة تحریر (۲۰۰۲ م). معجم المعانی، النسخة الإلكترونية مادة: عدل.

۲- محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی الزبیدی، (۱۴۲۲ هـ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: مجموعة من المحققين، دمشق، دار الهدایة، جلد (۲۹)، ص ۴۴۴.

۳- [النساء / ۵۸].

۴- محمد سید طنطاوی (۱۹۹۷ م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، القاهرة، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، الفجالة، تفسیر سورة النساء، آیه، ۵۸.

دوم: عدل به معنای عوض و فدیة دادن؛^۱ الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا

لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^۲

ترجمه: بترسید از روزی که هیچ کس چیز اندکی به کار دیگری نیاید و از هیچ کس فدیة‌ای پذیرفته نشود و شفاعت کسی او را نفع نرساند و آنان نصرت نشوند. وجه استدلال اینکه مفسرین گفته اند: عدل در این آیه به معنای فدیة است.^۳

سوم: عدل به معنای عدم افراط و تفریط یا عدم زیادت و نقصان؛ الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...﴾^۴

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به قرضی تا مدتی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. وجه استدلال از آیه فوق اینکه مفسرین کرام گفته اند: عدل در اینجا به معنای عدم زیادت و نقصان است.^۵ یعنی کسی که صورت معامله را می نویسد، منصفانه بنویسد و نباید که در آن افراط و یا تفریط نماید.

چهارم: عدل به معنای شرک؛ اگر گاهی «عدل» به معنای شرک در قرآن مجید به کار رفته است به خاطر آن است که مشرک چیزی را برابر و همتای الله متعال قرار می دهد. رب العالمین در قرآن

۱- فدیة مالی که در قبال آزاد شدن کسی پرداخت می شود. معجم المعانی / مادة الفدية.

۲- [البقرة/۱۲۳].

۳- عبد الرحمن بن ناصر السعدي (۱۴۲۰هـ). تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان (۱۴۱۸ هـ). تحقيق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، بيروت، مؤسسة الرسالة، تفسير سورة البقرة، آية ۱۲۳.

۴- [البقرة/۲۸۲].

۵- ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي البيضاوي، (ت ۶۸۵ هـ)، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تفسير سورة البقرة، آية ۲۸۲.

کریم فرموده است: ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴾^۱.

ترجمه: ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد [با این همه] کسانی که کفر ورزیده‌اند [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند.
مجاهد^۲ (رحمه الله) گفته است: (يَعْدِلُونَ) به معنای (یشرکون) است^۳. یعنی به الله شریک قرار می‌دهند.

از آنچه که در فوق گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که عدالت در زبان عربی دارای شانزده (۱۶) است^۴ که در تطابق با مقتضای حال و طبق محتوای جمله در جاهای مشخص معانی خاص خود را افاده می‌کند.

ب: مفهوم اصطلاحی عدالت

علما تعاریفات اصطلاحی زیادی را برای عدالت ارائه نموده‌اند که مهمترین آنان قرار ذیل است:

۱- عدالت عبارت از استقامت در راه حق؛ با اجتناب از محظورات دینی است. و عدل عبارت از امر متوسط میان افراط و تفریط می‌باشد^۵.

۱- عدالت عبارت از: ویژگی است که شخص را بر ملازمت تقوی و اجتناب از معاصی می‌کشاند^۶.

۱- [الأنعام/۱].

۲- مجاهد ابوالحجاج (۲۱-۱۰۴ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی می‌باشد. ایشان در زمینه تفسیر از بارزترین و موثق‌ترین شاگردان ابن عباس رضی الله عنه بوده است. وی قرآن را سه مرتبه بر ابن عباس عرضه داشته و با شان نزول و چگونگی نزول آن سوال کرده و نگاشته است. رجال صحیح مسلم، جلد (۲)، ص ۲۴۳.

۳- أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری، (—) جامع البیان عن تأویل آی القرآن، مكة المكرمة، دارالتربية والتراث، تفسیر سورة الأنعام، آیه ۱.

۴- معجم المعانی، ماده: عدل والعدالة.

۵- علي بن محمد بن علي بن زيد الشریف الجرجاني (۱۴۰۳ هـ ق). التعريفات، تحقيق: جماعة من العلماء، بيروت دار الكتب العلمية، جلد (۱)، ص ۱۲۴.

۶- کمال الدین محمد بن عبدالواحد بن عبدالحمید بن مسعود السیواسی، الشهير ب: ابن همام الدین الاسکندري الحنفي (۱۳۵۱ق)، التحرير في أصول الفقه الجامع بين اصطلاحی الحنفية والشافعية، القاهرة، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، جلد (۳)، ص ۴۴.

۲- عدالت عبارت است از: استقامت سیرت و دین و حاصل آن برمی گردد به هیئت راسخ در نفس که حمل می شود بر ملازمت همیشگی تقوی و مروت؛ تا اینکه مردم به صدق شخص، اطمینان حاصل کنند.^۱

اینها تعریفات علما بود در مورد تعریف اصطلاحی عدالت، و اگر چه عبارات متنوع هستند ولی همه به یک معنی برمی گردند و آن اینست که عدالت: یک ملکه و قدرتی است در نفس که صاحبش را بر ملازمت تقوی و مروت وادار می کند، و این برای انسان محقق نمی شود؛ مگر با انجام اوامر شرعی و ترک نمودن نواهی، و دوری از آنچه که در مروت اخلاق ایجاد می کند، و مروتی که اهل علم از آن یاد می کنند؛ نیروی نفسانی است که صاحب آن را بر ایستادن در کنار اخلاق والا و عادات نیکو؛ شرعاً، عقلاً و عرفاً وامی دارد.^۲

مطلب دوم: ورود کلمات عدالت و مشتقات آن در قرآن کریم

منظور از مشتقات عدالت در قرآن کریم، الفاظی می باشد که در معنا مرادف عدالت بوده؛ اما در لفظ به نام های دیگری یاد گردیده اند؛ مانند: قسط، حق، قسطاس، میزان، سواء، وسط.^۳ که در ذیل تذکر داده می شود:

۱- معانی لغوی قسط

قسط در لغت دارای معانی ذیل است:

- سهم، بهره و نصیب: مثال: أخذ نصيبه القسط من الميراث. یعنی سهم خود را از میراث به طور عادلانه گرفت.

۱- أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (۱۴۱۳ق)، المستصفی، تحقیق: محمد عبد السلام عبد الشافي، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد (۱) ص ۱۵۷.

۲- علي بن محمد بن علي بن زيد الشریف الجرجاني (۱۴۰۳ هـ ق). التعریفات، تحقیق: جماعة من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد (۱) ص ۱۷۶.

۳- البقرة: ۴۸، ۱۲۳، ۲۸۲، النساء: ۳، ۵۸، ۱۳۵، المائدة: ۸، ۹۵، ۱۰۶، الأنعام: ۱، ۷۰، ۱۵۰، ۱۵۲، الأعراف: ۱۵۹، ۱۸۱، الأعراف: ۱۸۱، النحل: ۷۶، ۹۰، النمل: ۶۰، الشوری: ۱۵، الحجرات: ۹، الطلاق: ۲، الانفطار: ۷.

- قسط به معنای عدل و انصاف است. مثال: أصدر القاضي حكمه بالقسط والعدل. یعنی قاضی منصفانه و عادلانه فیصله نمود.
 - قسط به معنای معیار و میزان. مثال: هذا الجهاز يوفر القسط والمعیار الدقیق للقیاس. به این معنا که این دستگاه، قسط و معیار دقیقی برای اندازه‌گیری ارائه می‌دهد.
 - مقدار و حصه. مثال: حصل كل منا علی قسط متساوٍ من هذه الدراهم. یعنی هر کدام از ما قسط مساوی از این دراهم را دریافت کردیم.
 - حلال و مشروع. مثال: يؤمن معیشته عن طریق کسب القسط والحلال. یعنی او از طریق کسب و کار قسط و حلال زندگی خود را تأمین می‌کند.^۱
 - قسط به معنای جور و ظلم. طوری که در زبان عربی گفته می‌شود: قَسَطَ قَسْطًا و قُسُوطًا. یعنی آن مرد ستم کرد و از حق روی گردانید.^۲
- لفظ قسط در قرآن کریم نیز به معنای عدل استعمال گردیده است به طور مثال الله متعال فرموده است: ﴿شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۳.
- ترجمه: خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد، گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز به یگانگی او گواهی داده‌اند) جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست. وجه استدلال از آیه فوق اینست که قسط در اینجا به معنای عدالت می‌باشد.^۴

۲- معانی لغوی حق

حق در لغت به معنای ذیل استعمال می‌گردد:

۱- أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی (۴۱۲هـ) المفردات في غريب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودي الناشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت. ص: ۳۸۵.

۲- مروان عطیه و هیئة تحریر (۲۰۰۲م). معجم المعانی، النسخة الإلكترونية مادة: القسط.

۳- [آل عمران/۱۸].

۴- أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری (—). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، مكة المكرمة، دار التریة والتراث، جلد(۱)، تفسیر سورة آل عمران، آیه ۱۸.

- به معنای آنچه باید باشد یا آنچه سزاوار و شایسته است. مثال: الحَقُّ معه. که به معنای آنچه که باید باشد با او است. یا شایسته و مناسب او است.
- حق به معنای آنچه ثابت و یقینی است. مثال: هذا هو الحقُّ لا ريبَ فيه " که به معنای این است حقیقت که در آن شکی نیست.
- حق به معنای آنچه سزاوار است انجام شود. مثال "أدُّوا الحقَّ". یعنی حق را ادا کنید.
- حق به معنای آنچه مستحق است. مثال: له الحقُّ علينا. که به معنای "حق او بر ماست. یا او بر ما حق دارد".^۱

الله متعال در مورد حق که به معنای عدل باشد، فرموده است: ﴿وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخُسُمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ. إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ بَعِيَ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿۲﴾

ترجمه: و آیا خبر دادخواهان چون از نمازخانه [او] بالا رفتند به تو رسید، وقتی [به طور ناگهانی] بر داوود درآمدند و او از آنان به هراس افتاد گفتند مترس [ما] دو مدعی [هستیم] که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده پس میان ما به حق داوری کن و از حق دور مشو و ما را به راه راست راهبر باش. و چه استدلال از آیه اینست حق در اینجا به معنای عدل است.^۳

۱- أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (٤١٢ هـ المفردات في غريب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودي الناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت ص: ١٣٨.

۲- سوره ص، آیات ۲۱-۲۲.

۳- أبو جعفر، محمد بن جرير الطبري (—). جامع البيان عن تأويل آي القرآن، مكة المكرمة، دار التربية والتراث، تفسير سوره ص آيه ۲۱-۲۲.

۳- معنای لغوی قسطاس

قسطاس به معنی میزان، تناسب، روش نقد و ارزیابی و همچنین میزان عدالت الهی استعمال می گردد.^۱ الله متعال فرموده است: ﴿ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۖ ۲ ۰

ترجمه: و چون پیمانہ می کنید پیمانہ را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام تر است. وجه استدال از آیه فوق اینست که به گفته مفسرین منظور از قسطاس، عدل می باشد.^۳

۴- معنای لغوی میزان

۱- میزان به معنای وسیله‌ای است که برای اندازه‌گیری وزن، حجم، طول و سایر کمیت‌های فیزیکی استفاده می‌شود. مثلاً ترازو، متر و سایر وسایل اندازه‌گیری.

۲- میزان به معنای معیار یا مقیاسی است که چیزی بر اساس آن سنجیده و ارزیابی می‌شود. مانند میزان معیاری یک محصول یا میزان پذیرش یک نظر در جامعه.

۳- میزان به معنای تعادل و توازن بین دو یا چند چیز است. مثلاً حفظ میزان (تعادل) بین کار و استراحت.

۴- میزان به معنای مقدار یا اندازه یک چیز است. مثلاً میزان حرارت انتقال یافته یا میزان فروش یک چیز تولیدی.

۵- میزان به معنای وزن، مقدار و ارزش اخلاقی یا معنوی چیزی است. مثلاً میزان گناه یا میزان تعهد شخص به یک ارزش.^۴

۱- مروان عطیه و هیئت تحریر (۲۰۰۲ م). معجم المعانی، النسخة الإلكترونية مادة: قسطاس.

۲- الإسراء/۳۵.

۳- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي (۱۴۱۹هـ) تفسیر القرآن العظیم، ط: ۱، تحقیق: محمد حسین شمس، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - تفسیر سوره الإسراء آیه ۳۵.

۴- نگاه شود: لسان العرب، مقایس اللغة، المعجم الوسیط - مجمع اللغة العربیة، المعجم الفلسفی، مادة: وزن و میزان.

میزان در قرآن کریم به معنای عدل آمده است. الله متعال می فرماید:

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ. وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾^۱

ترجمه: و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت، تا مبادا از اندازه درگذرید، و وزن را به انصاف

برپا دارید و در سنجش مکاهید. وجه استدلال از آیه فوق اینست که مراد از میزان عدل است^۲.

۵- معنای لغوی سَوَاء

سَوَاء [سوي]: عدل، میان دو طرف چیزی؛ طوری که در زبان عربی گفته می شود: «لَقَيْتُهُ فِي سَوَاءِ النَّهَارِ»؛ او را در نیمه ی روز دیدم.

مثل و مانند: «هُمَا فِي هَذَا الْأَمْرِ سَوَاءٌ»؛ یعنی در این باره آن دو نفر مانند و همسان یکدیگرند.

در این مورد نیز می توان (سَوَاءِ) و در جمع (هُم سَوَاءٌ) یا (هُم سَوَاءٌ) گفت. و نیز گفته می شود (هُم

سَوَاسٍ و سَوَاسِيَةٍ و سَوَاسِيَةٌ) یعنی آنها با هم برابر و یکسانند؛

و گفته می شود: «مَرَزْتُ بِرَجُلٍ سَوَاءٍ و الْعَدَمُ»؛ نزد مردی آمدم که وجود و عدم او یکسان است. هر

گاه بعد از واژه ی (سَوَاء) همزه ی تسویه بیاید باید با هر دو کلمه چه اسم باشد و چه فعل حرف (اَمْ)

بیاید مانند (سَوَاءٌ عَلَيَّ أَزِيدُ جَاءَ أُمِّ عَمْرٍو)؛ برای من یکسان است چه زید آمده باشد یا عمرو؛ همچنان

گفته می شود: «سَوَاءٌ عَلَيَّ أَفُتِمَ أَمْ قَعَدَتَ»؛ برای من یکسان است چه ایستاده باشی یا چه نشسته.

و در صورتی که بعد از آن دو فعل بدون همزه ی تسویه بیاید فعل دوم با (أَوْ) عطف می شود مانند

(سَوَاءٌ عَلَيَّ قَمَتَ أَوْ قَعَدَتَ)؛ برای من یکسان است چه بایستی یا بنشینی. و اگر بعد از آن دو مصدر

بیاید دومی با (وَأَوْ) یا (أَوْ) عطف می شود مانند: (سَوَاءٌ عَلَيَّ قِيَامُكَ و قَعُودُكَ)؛ ایستادن و نشستن تو

برای من یکسان است و بهمین معنی (قِيَامُكَ و قَعُودُكَ) مید، و نیز به معنای (غیر) مید مانند (جَاؤُوا

۱-الرحمن/۷-۹

۲- نگاه شود: تفسیر ابن جریر (۱۷۷/۲۲)، تفسیر ابن عطیة (۲۲۴/۵)، تفسیر القرطبی (۱۵۴/۱۷)، تفسیر ابن کثیر (۴۹۰/۷) تفسیر السعدي (ص:

۸۲۹)، تفسیر ابن عاشور، سوه الرحمن آیات ۷-۹.

سَوَاءٌ زَيْدٌ): آنها آمدند بجز زید، و به معنای هموار و برابر نیز می‌ماند (مکانٌ سَوَاءٌ و ثوبٌ سَوَاءٌ): جای، موار و جامه ای که طول و عرض آن یکسان باشد؛ مانند: «درهمٌ سَوَاءٌ»: درهمی تمام و کمال و گفته می‌شود: «سَوَاءُ السَّبِيلِ»: راه راست و استوار، «سَوَاءُ الْجَبَلِ»: قمه یا قله ی کوه؛ «لَيْلَةُ السَّوَاءِ»: شب چهاردهم یا سیزدهم از ماه قمری^۱.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۲

ترجمه: ای رسول (صلی الله علیه و سلم) - بگو: به اهل کتاب، چه یهودیان و چه نصاری، بیاید بر سخن عدلی که همگی ما در آن یکسان هستیم جمع شویم و آن اینک: فقط الله را عبادت کنیم و هیچ کس غیر او را هر چند مقام و جایگاه بالایی داشته باشد همراه او عبادت نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را اربابانی نگیرند که آنها را به جای الله عبادت و طاعت کنند، پس اگر از این حقیقت و سخن عدلی که آنها را به سوی آن فرامی خوانی روی برگردانند، پس - ای مؤمنان - به آنها بگویید: گواه باشید که ما با طاعت، تسلیم و فرمان بردار الله هستیم.

وجه استدلال این که کلمه (سواء) در اینجا به معنی عدل است.^۳

۶- معنای لغوی وسط

وسط در لسان عربی به معانی ذیل استعمال می‌گردد و گفته می‌شود که:

«شَيْءٌ وَسَطٌ»: میان خوب و بد، دایره و محیط؛

«الْوَسَطُ التِّجَارِيُّ»: محیط تجاری؛

«وَسَطُ الشَّيْءِ»: میان دو طرف چیزی؛

۱- مروان عطیه و هیئت تحریر (۲۰۰۲ م). معجم المعانی، النسخة الإلكترونية مادة: سواء.

۲- آل عمران/ ۶۴

۳- مصطفی، خرم دل (۱۳۹۶ هـ ش) تفسیر نور ترجمه سوره آل عمران، آیه ۶۴.

« وَسَطُ الْحَبْلِ »: میان ریسمان؛

« وَسَطُ الدَّارِ »: میان خانه؛

« هُوَ فِي وَسَطِ الْقَوْمِ »: او در میان مردم است؛

« الْوَسَطُ الْهِنْدِسِيُّ لِعَدَدَيْنِ، أَوْ لَطَوْلَيْنِ » عددی ثابت، یا طول آن است که جذر مربع در حاصل ضرب آن دومی باشد.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ ۱. »

ترجمه: و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

وجه استدلال از آیه فوق اینست که منظور از وسط در اینجا عدل است.^۲

د: اجتماع در لغت

اجتماع در لغت به معنای انضمام، اتحاد، اتفاق، گرد آمدن و یکجا شدن است.^۳ گرچند که کلمه ای اجتماع به شکل مصدر آن ذکر نشده است اما کلمات زیاد دیگری وجود دارد که معنای اجتماع را افاده می کند بطور مثال: الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿ قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ۗ ۴. »

ترجمه: بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند. وجه استدلال آیه فوق اینست که در اینجا کلمه (

۱- البقره/ ۱۴۳.

۲- تفسیر ابن کثیر، تحت تفسیر سوره البقره، آیه ۱۴۳.

۳- مروان عطیه و هیئة تحریر (۲۰۰۲ م). معجم المعانی، النسخة الإلكترونية، مادة جمع.

۴- الإسراء/ ۸۸.

اجتمعت) به معنای اتفاق (اجتماع) آمده است^۱. و همچنان فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسئَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ﴾^۲

ترجمه: ای مردم مثلی زده شد پس بدان گوش فرا دهید کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی آفرینند هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند و اگر آن مگس چیزی از آنان بر باید نمی توانند آن را بازپس گیرند طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. و چه استدلال از آیه فوق اینست که کلمه (اجتمعوا) به معنای مصدر خود (اجتماع) است^۳.

هـ تعریف اجتماع در اصطلاح

اجتماع عبارت از یکجاشدن چند شخص در محدوده معینی از زمین بخاطر یک هدف مشخص و معین می باشند^۴.

یعنی اجتماع به معنای گرد هم آمدن افراد در یک مکان مشترک است، که هدف از آن مباحثه، تبادل معلومات یا انجام فعالیت های دسته جمعی می باشد. اجتماعات می توانند به صورت رسمی و منظم مانند جلسات کاری، کنفرانس ها، یا جلسات عمومی یا غیررسمی مانند دیدارهای دوستانه یا خانوادگی، برگزار شوند^۵.

در اجتماعات، افراد ممکن است با هم به اشتراک گذاری دریافت ها، دیدگاه ها و تجارب خود بپردازند. این تبادل معلومات و نظرات می تواند به رشد و توسعه فردی و اجتماعی افراد کمک کند و در برخی موارد می تواند منجر به تصمیم گیری های مشترک و اجرای آنها شود.

۱- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کنیر القرشي البصري ثم الدمشقي (۱۴۱۹هـ) تفسیر القرآن العظیم، ط: ۱، تحقیق: محمد حسین شمس، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - تفسیر سوره الإسراء آیه ۸۸.

۲- الحج / ۷۳.

۳- همان مرجع تفسیر سوره الحج آیه / ۷۳.

۴- عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمي، مقدمه ابن خلدون (بی، تا)، بیروت، دالفکر للنشر والتوزیع جلد (۱)، ص ۴۵.

۵- خالد فائق العییدی (۱۴۲۶) الإقتصاد و الاجتماع، بیرت، دارالکتب العلمیة، جلد (۱) ص ۱۰.

اجتماعات می‌توانند در محیط‌های مختلفی برگزار شوند، از جمله مکان‌های عمومی، محل‌های کار، خانه‌ها، مدارس، پوهنتونها و سایر مکان‌هایی که افراد به طور مشترک به آنها دسترسی دارند. به طور کلی، اجتماعات نقش مهمی در ارتباطات انسانی و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند و امکان برقراری ارتباطات بین افراد، انتقال دانش و تجارب، حل مسائل مشترک و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه را فراهم می‌کنند.

مطلب دوم: مفهوم عدالت اجتماعی در اصطلاح و منظور از آن در قرآن کریم

(أ) تعریف اصطلاحی عدالت

عدالت اجتماعی عبارت از توزیع منصفانه منافع، فرصت‌ها و منابع در جامعه برای تحقق تعادل و عدالت در بین اعضای آن جامعه، است.^۱

یعنی عدالت اجتماعی به مفهوم توزیع عادلانه منافع و منابع در یک جامعه اشاره دارد. این مفهوم بر اساس نظریه‌ی از تعادل و برابری در توزیع منافع در جامعه بنا شده است. هدف عدالت اجتماعی این است که تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی را کاهش داده و به هر فرد در جامعه به اندازه‌ای کافی فرصت و منابع را فراهم کند تا زندگی مناسبی داشته باشد.^۲

به طور مثال: فرض کنید که در یک جامعه هدفمند، توزیع منابع به شکلی انجام شود که همه افراد به طور برابر فرصت دسترسی به تحصیلات بالا، خدمات صحی، زندگی به معیارهای حداقلی، و دسترسی به عدالت قضایی را داشته باشند. در این جامعه، توزیع درآمد و ثروت نیز به شیوه انجام می‌شود که نیازهای اساسی همه افراد برطرف شده و تفاوت‌های بیش از حد بزرگ در سطح ثروت و درآمد به حداقل محدود شود.

در این جامعه، عدالت روابط اجتماعی نیز حاکم است. هر فرد بدون تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، مذهب، قومیت و سایر ویژگی‌های شخصی، حقوق و احترام خود را دارد. همه افراد به طور

۱- "Social Justice", www.investopedia.com, Retrieved ۷-۱۱-۲۰۲۴. Edited.

۲- محمد نجیب احمد ابو عجوه، المجتمع الإسلامي دعائمه و آدابہ فی ضوء القرآن الکریم، القاہرہ، مکتبہ المدبولی، ص ۷۳.

برابر در فرصت‌های شغلی، تعلیمی و سیاسی شرکت می‌کنند و هیچ نوع تبعیض و تبعید اجتماعی وجود ندارد.^۱

به طور کلی، عدالت اجتماعی به دنبال ایجاد یک جامعه‌ای است که همه افراد در آن فرصت‌ها و منافع مشابهی را داشته باشند و در آن همبستگی اجتماعی و عدالت در توزیع منابع و رفتارها حاکم باشد.

اسلام بین زن و مرد، ثروتمند یا فقیر، حاکم یا غیر حاکم فرقی قایل نیست. الله متعال معیار برتریت را بین انسان هاتقوی دانسته که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۲.

ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

همچنان الله متعال فرموده است: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۳

۱- محمد نجیب احمد ابو عجوه، المجتمع الإسلامی دعائمه و آدابه فی ضوء القرآن الکریم، القاهرة، مکتبه المدبولی، ص ۷۴.

۲- {الحجرات/۱۳}.

۳- {الحجرات/۹-۱۳}.

ترجمه: و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد، در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید، ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است، ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

وجه استدلال: از آیات فوق الذکر فهمیده می‌شود که عدالت اجتماعی یک مفهومی جامع شامل و فراگیر است که عدالت بین افراد را در دادن حقوق و تکالیف در نظر دارد و این اصل در دین اسلام کاملاً تثبیت شده است، بنابراین مسلمانان برادر یک دیگر محسوب می‌شوند آنها در حقوق و تکالیف برابرند و هر یک در برابر خداوند متعال نسبت به اعمالی که انجام داده به عدالت مسئول و پاسخگو هستند.

(ب) منظور از عدالت اجتماعی در قرآن کریم

قرآن کریم از عدالت اجتماعی صراحتاً نام نگرفته است؛ اما از آیات فوق معلوم می‌شود که قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس اسلام، مفهوم عدالت اجتماعی را به صورت گسترده تری تعریف

می‌کند. در قرآن مجید، عدالت اجتماعی به عنوان یک اصل بنیادی از نظام اسلامی شناخته می‌شود و تأکید بر اهمیت توزیع منصفانه منافع و حقوق بین افراد جامعه دارد. قرآن کریم بر این اصل تأکید می‌کند که هیچ فردی در جامعه نباید به دلیل عواملی مانند: تفاوت در نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی یا وضعیت اقتصادی، محروم و ستم‌دیده شود.

عدالت اجتماعی در قرآن کریم به دو صورت عام و خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مورد عدالت اجتماعی عمومی، قرآن تأکید می‌کند که انصاف و عدالت باید در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی مورد رعایت قرار گیرد. این شامل توزیع منصفانه ثروت و منافع اقتصادی، حقوق و عدالت در قضاوت و دیگر زمینه‌های زندگی اجتماعی است.

در مورد عدالت اجتماعی خاص، قرآن به ویژه به موضوعاتی مانند حقوق محرومان، ایتام، یتیم‌ها، مستضعفان و کسانی که در جامعه ضعیف هستند، توجه ویژه‌ای دارد. قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند که به آنان کمک کنند و حقوق آنان را رعایت کنند. همچنین، قرآن از جامعه خواستار است که در توزیع منصفانه ثروت و منافع عمومی نیز عادلانه عمل کند و تمرکز ثروت را در دسته‌های خاصی محدود نکند.

بنابراین، قرآن کریم عدالت اجتماعی را به عنوان یک اصل اسلامی بسیار مهم تعریف می‌کند که توزیع منصفانه منافع و حقوق در جامعه را تأکید می‌کند و توجه به محرومان و ضعیفان را دارد.^۱

مبحث دوم: فواید و اهمیت عدالت اجتماعی

اهمیت عدالت در اسلام از آن جا سرچشمه می‌گیرد که بنابر تعالیم اسلامی، خداوند، عادل است و همه افعال الهی عین عدالت اند، ظلم، افراط و تفریط به آن‌ها راه ندارد. قرآن کریم، برای بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی از دو هدف یاد می‌کند: برقرار ساختن عدالت میان انسان‌ها و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان و دیگر هدایت انسانها از تاریکی‌های شرک و کفر به

۱- عبد الله أحمد يوسف (۱۴۲۹هـ.ق) العدالة الإجتماعية في الإسلام، المملكة العربية السعودية، المنطقة الشرقية، ص ۲۸.

سوی نور توحید و بندگی خدا . انسان موظف است بر پایه تعالیم دینی، فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش را با عدالت همراه سازد و از این گذر به سعادت دست یابد.

الله متعال فرموده است: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱

ترجمه: به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.

وجه استدلال: قرآن کریم، برای بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی از دو هدف یاد می‌کند: برقرار ساختن عدالت میان انسان‌ها و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان و دیگر هدایت انسانها از تاریکی‌های شرک و کفر به سوی نور توحید و بندگی خدا بنا بر آن در این مبحث روی فواید و اهمیت عدالت اجتماعی بحث صورت می‌گیرد:

مطلب اول: فواید عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم

عدالت اجتماعی همان انصاف و دادن حق هرکس به او و گرفتن آنچه بر اوست. در آیات قرآن کریم به این موضوع امر شده است و به تمسک به آن فراخوانده می‌شود، از جمله: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾^۲.

ترجمه: در حقیقت الله به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید.

۱- الحدید/۲۵.

۲- النساء/۵۸.

وجه استدلال اینکه الله متعال در این آیه کریمه به عدالت امر فرموده است و این امر مطلق است که دلالت بر وجوب می کند، پس الله متعال در قرآن کریم عدالت را در تمام عرصه ها واجب (فرض) گردانیده است.

در جایی دیگر می فرماید: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾!

ترجمه: چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید.

پس واضح است که اسلام آیینی کامل و منطبق با حقایق زندگی انسان هاست و زندگی دنیوی را مقدمه ای برای راه یافتن به کمال و رستگاری در سرای باقی می داند و از آن رو که انسان موجودی اجتماعی است و رشد فکری و روحی او در جامعه شکل یافته و محقق می شود.

وجه استدلال اینکه الله متعال در این آیه کریمه نیز به عدالت امر فرموده است و این امر مطلق است که دلالت بر وجوب می کند، پس الله متعال در قرآن کریم عدالت را در تمام عرصه ها به ویژه عرصه قضاوت، واجب (فرض) گردانیده است.

بدون برقراری عدالت اجتماعی نمی توان شرایط مساعدی برای تعالی روح و اندیشه اش فراهم کرد یا زندگی اجتماعی را بر اساس ارزش های الهی بنیان نهاد و او را به سرمنزل مقصود؛ یعنی شناخت خدا، خداپرستی و عبودیت رساند. و ممکن نیست که فرد بدون عدالت اجتماعی از نظر قوای فکری و روحی به تکامل برسد و واجد صفات انسانی باشد؛ از این رو عدالت اجتماعی مهم ترین مقدمه و زمینه برای رسیدن فرد به شناخت خویش و رشد استعدادهایش و شناخت و عبودیت پروردگارش خواهد بود.

آیا می توان آیینی را که برای تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و حیات مادی و معنوی انسان ها وضع شده، به ماحول و محیط فردی زندگی افراد محدود کرد؟
در حالی که حتی زندگی فردی نیز در اجتماع شکل می گیرد.

پس بدون وجود عدالت اجتماعی حاکمیت خداوند بر تمامی ابعاد حیات انسان، مفهومی نخواهد داشت. رسیدن به عبودیت با برقراری عدالت هموار می‌شود، همان‌گونه که ظلم و ستم نیز به الحاد و بت‌پرستی می‌انجامد.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) که برای برپایی عدل و داد برانگیخته شد، سیرت‌اش، سیرت عدل و انصاف و منطوقش جداکننده حق و باطل بود. در حدیث شریف چنین آمده است: عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ قُرَيْشًا أَهْمَهُمْ شَأْنَ الْمَرْأَةِ الْمَخْزُومِيَّةِ الَّتِي سَرَقَتْ ، فَقَالَ وَمَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالُوا وَمَنْ يَجْتَرِئُ عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ ، حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ، فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ » . ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ، ثُمَّ قَالَ « إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ ، وَإِيمُ اللَّهِ ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا »^۱.

زنی که چیزی را دزدید و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) خواست حد را بر او جاری سازد. خانواده‌اش نزد اسامه بن زید رفته و درخواست شفاعت آن زن را نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم نمودند تا حد سرق بر وی تطبیق نگردد (و می‌دانستند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم اسامه را بسیار دوست داشتند) و تئیکه اسامه شفاعت آن زن را نمود، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چهره‌شان متغیر شده و فرمود: « أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ؟! » . یعنی: « آیا در حدی از حدود الله شفاعت می‌نمایی؟! ». سپس محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاسته و برای مردم خطبه خوانده و فرمودند: « فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ ، وَإِيمُ اللَّهِ ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا ». مردمی را که پیش از شما بودند این چیز هلاک ساخت که چون شخص شریف و بزرگ زاده‌ای در میان‌شان دزدی می‌کرد، او را فرو می‌گذاشتند و

۱- صحیح البخاری، احادیث الأنبياء، جلد (۲)، حدیث شماره/ ۳۴۷۵ .

چون شخص ضعیف و ناتوان در میان‌شان دزدی می‌کرد، حد را بر او جاری می‌ساختند و سوگند به الله قسم که اگر فاطمه بنت محمد صلی الله علیه وسلم دزدی می‌کرد، حتماً دستش را قطع می‌کردم».

مطلب دوم: تفاوت عدالت، قسط، مساوات، انصاف و احسان

با مراجعه به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و متون اسلامی با لغات و اصطلاحاتی روبرو می‌شویم که معانی نزدیک به هم دارند ولی هر کدام مفاهیم خاصی دارند که در کتب لغوی و ادبی توضیح گردیده اند.

برخی از این کلمات «عدل»، «قسط»، «انصاف»، «مساوات» و «احسان» هستند که در ادامه به

تفکیک مفهوم هر یک از آنها و فرق آنها با یکدیگر می‌پردازیم:

الف: عدل

عدل به معنی عدم تجاوز حق است^۱. همچنین این لغت در مقابل ظلم و جور بوده و به معنی وضع شیء در موضع خودش است.^۲ لذا عادل را «عادل» می‌گویند به خاطر اینکه از حق و حدود آن تجاوز نمی‌کند و هر حقی را به صاحبش عطا می‌کند. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۳.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به عدالت برخیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۱- أحمد بن محمد بن علي الفيومي أبو العباس الحموي، (بي. تا) المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، بيروت، المكتبة العلمية -

جلد (۲)، ص ۳۹۶.

۲- همان مرجع، ص ۱۱۴.

۳- {المائدة/ ۸}.

وجه استدلال از آیه فوق اینست که عدل در اینجا به معنای عدم ظلم می باشد، و ظلم از جمله بزرگترین معاصی است که باعث مفسد زیادی می گردد^۱.

ب: قسط

قسط هم به معنی عدل است؛ با این تفاوت که قسط، عدل واضح و آشکار است و به همین دلیل است که به مکیال و میزان قسط گفته می شود؛ چون عدالت را مجسم می کنند؛ برخلاف عدل که گاهی به وضوح دیده نمی شود و مخفی است^۲. الله متعال با نقل از شعیب علیه السلام می فرماید: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾^۳.

ترجمه: ای قوم من! پیمانان و ترازو را به عدالت دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید.

وجه استدلال از آیه فوق اینست که مراد از قسط در اینجا اعطای حقوق مادی مردم به طور عادلانه می باشد، نه اعطای خود وزن و پیمانان^۴.

ج: مساوات

مساوات مفهوم متفاوت با مفهوم عدالت دارد؛ زیرا مساوی قرار دادن مردم در مال به این معنی است که مال در بین مردم بالسویه تقسیم شود و به هیچ کس بیشتر از دیگری داده نشود؛ در حالی که عدل به معنی اعطاء حق هر شخص به خودش است و این حقوق ممکن است مساوی هم نباشند، بلکه حق یکی بیشتر یا کمتر از دیگری باشد^۵.

۱- محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفه القلمونی الحسینی (۱۹۹۰ م) تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، جزء (۶)، ص ۲۲۷.

۲- أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران العسكري (بي تا)، الفروق اللغوية، تحقيق: محمد إبراهيم سليم، مصر، القاهرة، دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع، جلد (۱)، ص ۲۲۹.

۳- (هود/۸۵).

۴- أبو عبد الله، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (۱۳۸۴) تفسیر القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، دار الكتب المصرية - القاهرة، جلد (۹)، ۸۶.

۵- أحمد بن محمد بن علي الفيومي أبو العباس الحموي، (بي تا) المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، بيروت، المكتبة العلمية - جلد (۲)، ص ۲۹۸.

در قرآن کریم، مفاهیم و اصولی که به مساوات اجتماعی مرتبط می‌شوند، بیان شده‌اند. قرآن به عدالت اجتماعی، برابری و حقوق انسانی تأکید می‌کند. در این مفاهیم، فکر مساوات و تساوی در اجتماع و روابط انسانی تثبیت (نهادینه) شده است.

به طورمثال، قرآن کریم به تأکید مساوات انسان‌ها از نظر ارزش و حقوق انسانی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۱!

ترجمه: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.

این آیه نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآن کریم، همه انسان‌ها برابر و با ارزش هستند و هیچ کس به دلیل جنسیت، نژاد یا قومیت بر دیگری تفضیل نمی‌شود.

قرآن مجید همچنین به عدالت اجتماعی و برابری در توزیع ثروت و منابع اشاره می‌کند. در سوره حشر، آیه ۷ آمده است: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^۲

ترجمه: [این غنایم نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند اینان همان مردم درست‌کردارند.

وجه استدلال: این آیه نشان می‌دهد که قرآن کریم تأکید می‌کند که منابع و ثروت باید به طور عادلانه و برابر میان افراد توزیع شود.

۱- {الحجرات/۱۳}.

۲- الحشر/۷.

در مجموع، قرآن اصول و ارزش‌هایی را بیان می‌کند که به مساوات اجتماعی، عدالت و برابری مرتبط می‌شوند. این اصول و ارزش‌ها در قرآن به منظور تشکیل جامعه‌ای عادلانه و متوازن، به عنوان راهنمایی برای انسان‌ها ارائه شده‌اند.

د: انصاف

انصاف مفهوم متفاوت با مفهوم عدالت دارد؛ زیرا انصاف به معنی اعطاء نصف یک شیء بدون زیادی و نقصان به طرف مقابل است؛^۱ در حالی که عدل به معنی اعطاء حق به صاحب حق است که گاهی کمتر و گاهی بیشتر از نصف است. در قرآن کریم، صراحتاً واژه انصاف نیامده است؛ اما مفهوم انصاف (نصف) به صورت مکرر مطرح شده است. و بر اصل انصاف و عدالت در قرآن به عنوان یکی از اصول اساسی اجتماعی و اخلاقی تأکید شده است. خداوند در قرآن به مؤمنان دستوراتی می‌دهد که در تعاملات اجتماعی و رفتارهایشان به انصاف عمل کنند.

به طور مثال، در سوره النساء آیه ۵۸ آمده است: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا"^۲ که معنای آن است: "بی‌گمان خدا به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، با عدل و انصاف داوری کنید. همانا خداوند شما را به وسیله آنچه بیان می‌کند، نصیحت می‌کند؛ خداوند شنوا و بیناست."

در آیات دیگری نیز به انصاف در رفتارها و روابط اجتماعی اشاره شده است. انصاف به عنوان مبنایی برای برقراری عدالت و برابری در جامعه و رفتارهای مؤمنان تأکید شده است.

۱- أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران العسكري (بي تا)، الفروق اللغوية، تحقيق: محمد إبراهيم سليم، مصر، القاهرة، دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع، جلد (۱)، ص ۲۲۸.

۲- سوره النساء / ۵۸.

۵: احسان

احسان فوق عدل است؛ زیرا احسان به معنی بخششی است که فراتر از حق هرکس باشد، برخلاف عدل که به معنی بخشش به اندازه حق است.^۱

البته هر یک از این واژه‌ها به دلیل قرابت معنایی که با یکدیگر دارند، گاهی به جای هم به کار می‌روند؛ همچنانکه گاهی در منابع اسلامی، مساوات به معنی عدل به کار رفته است. مؤمنان در قرآن به عنوان افرادی توصیف می‌شوند که در برابر نیازهای دیگران احسان می‌کنند و از خیر و نیکی‌ها سخن نیک و مداومی به زبان می‌آورند. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲.

ترجمه: و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و احسان کنید که خدا احسان کنندگان را دوست می‌دارد.

همچنین در قرآن مجید، احسان به پدیده‌ای تعمیمی تبدیل شده است و می‌تواند به هرگونه نیکوکاری و بخششی که انسان به دیگران نشان می‌دهد، اشاره داشته باشد. از این رو، احسان در قرآن کریم به عمل خیر و نیکوکاری در هر جنبه‌ای از زندگی اشاره می‌کند، از اعمال خیریه و کمک به نیازمندان گرفته تا رفتار نیکو و متعالی در روابط اجتماعی و خانوادگی.

بنابراین، از منظر قرآن کریم، احسان به عمل خوب، نیکوکاری و بخشش است که مؤمنان را تشویق می‌کند تا در تمام جنبه‌های زندگی خود احسان و نیکوکاری را انجام دهند و به مدارا و محبت نسبت به دیگران پایبند باشند.

۱- أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی (۱۴۱۲ق)، المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان الداودي، دمشق، دار القلم، الدار الشامية، جلد (۱)، ص ۲۳۶.

۲- البقرة/۱۹۵.

مطلب سوم: اهمیت عدالت اجتماعی

در قرآن کریم، مفهوم عدالت یکی از موضوعات مهمی است که به طور مکرر مورد تاکید و بحث قرار می‌گیرد. عدالت به عنوان یک اصل اساسی در اسلام و تعالیم قرآنی، به عنوان یک راهبرد برای ایجاد نظم و تعادل در جامعه، به طور قطع مورد توجه قرار می‌گیرد. در زیر به برخی از آیات قرآنی که درباره عدالت صحبت می‌کنند، اشاره می‌کنم:

۱- ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ

بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱

ترجمه: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را ببینند؛ بدون شک که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است..

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَذَكَّرُونَ﴾^۲.

ترجمه: در حقیقت، الله به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید.

این آیات و بسیاری دیگر از آیات در قرآن کریم به عدالت و رفتار عادلانه تأکید می‌کنند. عدالت نه تنها به استقامت اخلاقی و رفتار صالحانه اشاره دارد، بلکه در قالب نظام قضایی و اجرای قانون نیز برای حفظ حقوق و عدالت در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. در اسلام، عدالت به عنوان

۱- {الحديد/۲۵}.

۲- {النحل/۹۰}.

یک ارزش اسلامی بسیار مهم در تمام جوانب زندگی تأکید می‌شود و اجرای عدالت در جامعه، یکی از اهداف و مقاصد اسلامی است.

ابن کثیر رحمه الله (یکی از مفسران برجسته قرن ۸ هجری) در کتاب تفسیر القرآن العظیم در مورد این آیه‌ها اشاره‌هایی به عدالت دارد. او درباره مفهوم و اهمیت عدالت در قرآن و تأثیر آن بر جامعه بحث می‌کند. یکی از نقاط مهمی که ابن کثیر مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌نویسد: عدالت به عنوان یکی از صفات الهی است و خداوند خود عادل است و به عدالت و پاداش و مجازات عادلانه افراد تأکید می‌کند. موصوف در تفسیر آیه ۹۰ سوره النحل در مورد عدالت می‌گوید: "همانا خداوند به شما دستور داده است که به عدالت و احسان عمل کنید و خداوند تواناست بهترین را از شما بپذیرد. عدالت به معنی توزیع حقوق به صورت منصفانه و برابر است و احسان به معنی عمل خیر و نیکویی است." ابن کثیر بیان می‌کند که عدالت و احسان به همراه باور به خداوند و روز جزا، اصولی هستند که برای ساختار و اجتماع موفقیت و ثبات را به همراه دارند. علاوه بر این، ابن کثیر در تفسیر دیگر آیات نیز به عدالت اشاره می‌کند و آن را به عنوان اصلی‌ترین ویژگی از خصوصیات الهی و هدفی از ارسال رسالت اسلامی توصیف می‌کند. او با بیان مفهوم و اهمیت عدالت در قرآن، بر این باور است که حفظ و اجرای عدالت در جامعه، می‌تواند به تحقق نظم، خوبی و تعادل در جامعه کمک کند.^۱

عمر فاروق رضی الله عنه که به عنوان دومین خلیفه راشدین در تاریخ اسلام شناخته می‌شود، حکومت او یکی از برجسته‌ترین و عادلانه‌ترین حکومت‌ها در تاریخ اسلام است. عدالت عمر فاروق در بسیاری از جنبه‌ها مشهور است. او عدالت را به عنوان یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی می‌دانست و در تمامی تصمیمات و اقدامات خود به اصل عدالت پایبند بود. او برابری و عدالت را در توزیع منابع، رفع نیازها، پیروی از قوانین و رعایت حقوق افراد در نظر داشت. عمر

۱- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي (ت ۷۷۴ هـ) تفسیر القرآن العظیم، ط: ۱، تحقیق: محمد حسین شمس، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - تفسیر آیه ۹۰ سوره النحل و آیات مرتبط.

فاروق در دوران خلافت خود، برای حل اختلافات و رفع مشکلات مردم، مجالس شورایی را تشکیل داد و به نظرات و پیشنهادات آن‌ها اهمیت داد. وی همچنین سیاست‌هایی را برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت تدوین کرده بود. او از مقام خلیفه برخوردار بود، اما در اجرای قوانین و تصمیمات خود هیچ استثنایی را برای خود قائل نبود و با عدالت برخورد می‌کرد. عمر فاروق همچنین در زمینه اداره عدل نیز تلاش‌های فراوانی داشت. او قضات مستقل را منصوب کرد و آن‌ها را به اجرای عدالت و رعایت حقوق افراد تشویق می‌کرد. عمر فاروق نیز به عنوان امیر مسلمانان قضاوت در برخی مواقع حضور داشت و با رسیدگی به پرونده‌ها و حل اختلافات، دستوراتی عادلانه صادر می‌کرد^۱. به طور خلاصه، عدالت عمر فاروق به عنوان خلیفه دوم مسلمانان به شهرت جهانی رسیده است. او به عنوان یکی از عادلانه‌ترین حکام در تاریخ اسلام شناخته می‌شود، که در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود به اصل عدالت پایبند بود و تلاش کرد تا برابری و حقوق افراد را در جامعه اسلامی حفظ کند.

۱- علی محمد الصلابی (۲۰۰۵)، سیره امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه (الطبعة الأولى)، القاهرة: مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع والترجمة، جلد (۱) ص ۸۸.

فصل دوم

جایگاه عدالت اجتماعی از نظر قرآن کریم

از مهم ترین مباحث موجود در فلسفه سیاسی اسلام، اصل عدالت است. طرح مسایلی همچون مبحث عدالت در یک جامعه حاکی از حیات سیاسی و عقلانی آن اجتماع است. چراکه هیچ جامعه زنده و پویایی از طرح این مسایل مستغنی نیست. جامعه ای که این مقولات را مطرح نمی کند، خبر از بی نیازی خود نمی دهد؛ بلکه غفلت و بی دردی و انحطاط خود را آشکار می سازد. از آنجا که عدالت اولاً: موضوعی است که ریشه در عقل و فطرت انسان ها دارد و ثانیاً: در دین اسلام تأکید بسیاری بر آن شده است و فرد در جامعه نیازی حیاتی به آن دارد پس طرح مستمر آن در جامعه هم شرط دین داری است و هم شرط انسانیت. طبق دیدگاه بعضی از اندیشمندان شرط اساسی دینی بودن جامعه اجرای عدالت است چرا که با اجرای عدالت است که مقتضیات رشد در جامعه ایجاد می شود.^۱

اهمیت و جایگاه والای عدالت در اسلام از یک طرف و وابستگی تحقق آن به ادارات حکومتی و قدرت از طرف دیگر نشانگر آن است که حکومت دینی ناگزیر است که عدالت را به عنوان یکی از اهداف اساسی خود برگزیند تا از مسیر دینی بودن خارج نشود. آیات بسیاری در قرآن در باب لزوم توجه به تامین و برقراری قسط و عدل در قرآن به چشم می خورد که در اینجا پیرامون آن ها بحث می نماییم:^۲

مبحث اول: انواع عدالت قرآنی

قرآن کریم درباره اصول و مفاهیم عدالت به طور مکرر اشاره می کند. در قرآن مجید، عدالت به عنوان یک اصل اساسی در سیستم اجتماعی و حکومتی تأکید شده است. این کتاب مقدس نوعی

۱- محمد رضا حکیمی (۱۳۸۹ هـ) جامعه سازی قرآنی، قم، دلیل ما، ص ۸۱.

۲- جعفر سبحانی (۱۹۸۴ م) معالم الحکومة الإسلامية / اصفهان، جلد (۱)، ص ۴۰۹.

عدالت را که می‌توان آن را "عدالت الهی" یا "عدالت قرآنی" نامید، معرفی می‌کند. در زیر به برخی از اصول و انواع عدالت قرآنی بحث صورت می‌گیرد که خود نمایانگر جایگاه عدالت در قرآن می‌باشد:

مطلب اول: عدالت قضایی

الف: مفهوم عدالت قضایی

عدالت قضایی به معنای ارائه عدالت در پروسه صدور حکم و تصمیم‌گیری در محاکم است. این نوع عدالت مرتبط با عدالت در سیستم قضایی و شیوه تعامل قضات و مقامات قضایی با طرفین در یک دوسیه یا پرونده (File) است.^۱

یعنی عدالت قضایی به معنای رعایت اصول و قواعد قانونی، بی‌طرفی و عدم تبعیض در صدور حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در محاکم است. قضات و مقامات قضایی مسئولیت دارند که در صدور حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود بر اساس قوانین و مقررات مربوطه عمل کنند و به محاکم عادلانه و شفاف ملتزم و پابند، باشند

عدالت قضایی شامل مفاهیم و و ضوابط ذیل می‌باشد:

۱- بی‌طرفی: قضات باید بی‌طرفی را در صدور حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود رعایت کنند و از تأثیرات شخصی، تبعیض و تعصب خودداری کنند. آن‌ها باید براساس شواهد و شهادت‌های موجود در پرونده به تصمیم‌گیری بپردازند.

۲- عدم تبعیض: قضات ملزم به عدم تبعیض در صدور حکم‌ها هستند و باید همه افراد را برابر قانون محاکمه کنند. هیچ‌گونه تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، مذهب، تبعیض اجتماعی و سایر عوامل غیرقانونی نباید در تصمیم‌گیری قضایی تأثیرگذار باشد.

۱ -Hollywood, J. S., Woods, D., Silbergliitt, R. S., & Jackson, B. A. (۲۰۱۵). Using future Internet technologies to strengthen criminal justice. Washington, DC: Rand Corporation. Volume (1), page ۹۶

۳- شفافیت: پروسه صدور حکم و تصمیم‌گیری در محکمه باید شفاف و قابل درک برای طرفین باشد. محاکم باید فرصتی برابر برای هر دو طرف فراهم کنند تا دفاع خود را ارائه دهند و به شکلی واضح و قابل فهم توضیح داده شود که چرا یک حکم صادر شده است.

۴- رعایت حقوق فردی: قضات مسئولیت دارند که حقوق فردی را در صدور حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود رعایت کنند. این شامل حقوق مدافعه، حقوق به دست آوردن و جبران خسارت‌ها برای طرفین است.

عدالت قضایی اصلی است که در سیستم قضایی یک جامعه برای حفظ حقوق و تنظیم روابط حقوقی بین اشخاص مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

ب: عدالت قضایی در قرآن کریم

قرآن مجید از قضات و مقامات قضایی می‌خواهد که در صدور حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود عادلانه و بی‌طرف باشند. این نوع عدالت به تأمین حقوق فردی، رفع تبعیض و اجرای عدالت در محاکم می‌باشد:

الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۲.

ترجمه: خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد خدا شنوای بیناست.

در این آیه، خداوند متعال به مؤمنان دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان خود بازگردانند و هنگامی که بین مردم داوری می‌کنند، با عدالت تصمیم بگیرند.

۱ - McCorquodale, R. (Ed.). (۲۰۱۰). the rule of law in international and comparative context. BIICL. Volume (۱), page ۹۹.

۲- {النساء/۵۸}.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۱.

ترجمه: و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می دارد.

این آیه در مورد رسیدگی به اختلافات و منازعات بین مسلمانان است و آن‌ها را به صلح و تصفیه اختلافات فرا می خواند و در صورتی که یک طرف بر دیگری ستم کند، اجازه می دهد که علیه ستمکار اقدام کنند.

الله متعال در خطاب به داوود (علیه السلام) که از جمله پیامبرانی است که به تشکیل حکومت پرداخته است از او می خواهد که بین مردم به حق داوری کند و از خواهش های نفسانی پیروی نکند: { يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ مِمَّا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ }^۲.

ترجمه: ای داوود ، ما ترا در زمین خلیفه گردانیدیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوی پیروی نکن .

این تنها بخشی از آیات قرآن کریم است که به عدالت قضایی اشاره دارند. قرآن کریم در بسیاری از آیات دیگر نیز به اهمیت عدالت در قضاوت و رسیدگی به امور قضایی اعتنا نموده است که تذکر تمام آن ها بحث را طولانی می نماید.

۱- [الحجرات/ ۹].

۲- [ص: ۲۶].

مطلب دوم: عدالت اقتصادی، خانوادگی و بین‌المللی

الف: مفهوم عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به معنای تضمین عواید جهت جلوگیری از سوءاستفاده و منع گروه خاص، یا فردی از دیگران و غصب ناعادلانه ثمره کار آنها می‌باشد^۱.

یعنی عدالت اقتصادی به توزیع منصفانه و متوازن منابع و فرصت‌های اقتصادی در جامعه اشاره دارد که برخی از آنها به طوذیل اشاره می‌شود:

توزیع درآمد: تلاش برای کاهش شکاف طبقاتی و تامین حداقل نیازهای اساسی همه شهروندان.

فرصت‌های کاری و تعلیمی: یعنی ایجاد زمینه‌های مساوی برای همه افراد جامعه در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی.

دسترسی به خدمات اجتماعی: یعنی تامین خدمات صحتی و رفاهی برای همه افراد به صورت عادلانه.

کمک‌های مالی: طراحی نظام کمک‌ها به گونه‌ای که از تمرکز ثروت جلوگیری کند.

حمایت از گروه‌های متضرر: ارائه حمایت‌های ویژه از افراد و گروه‌هایی که به دلایل مختلف در معرض محرومیت اقتصادی هستند.

در مجموع، عدالت اقتصادی بر تساوی فرصت‌ها، توزیع متوازن منابع و ظرفیت‌های اقتصادی تاکید دارد تا همه افراد جامعه بتوانند به طور مساویانه از مزایای رشد اقتصادی بهره‌مند شوند.

۱- محمد هاشم عوض (۲۰۱۵ م) معنی العدالة الإقتصادية، الألوكة، مقاله علمی، ص ۱.

ب: عدالت اقتصادی در قرآن کریم

بر اساس آموزه های قرآن کریم، عدالت اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار است. قرآن مجید به طور مکرر به برقراری عدالت در همه ابعاد زندگی از جمله اقتصاد تأکید می کند. برخی از اصول مهم در این زمینه عبارتند از:

۱- تأکید بر توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه

قرآن کریم تأکید می کند که ثروت در جامعه به شکل عادلانه توزیع گردد و تمرکز بر این دارد که نباید ثروت در دست عده ای خاصی سرازیر شود: الله متعال در این مورد فرموده است: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱﴾

ترجمه: آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

این آیه کریمه تأکید بر توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه و ممنوعیت تمرکز ثروت در دست عده ای خاص؛ دارد.

۲- ممنوعیت رباخواری و تأکید بر معاملات عادلانه

الله متعال در قرآن مجید فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. يَحْقُقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ

۱- [الحشر/۷].

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿١﴾

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند، (از گور) بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. خدا از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. و نیز فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ ٢.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید.

الله متعال نیز فرموده است: ﴿وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لَّيْرَبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن

رِكَاتٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ ﴿٣٩﴾ ٣

١- [البقرة ۲۷۵-۲۷۹].

٢-سوره آل عمران/۱۳۰.

٣-سوره الروم، آیه ۳۹.

ترجمه: و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]

مفسرین در تفسیر آیت متبرکه نگاشته اند آنچه به عنوان ربا می گیرید نزد خداوند رشد و برکت نخواهد داشت، بلکه از باطل است که در آن حقی وجود ندارد^۱.

دیده می شود که در آیات فوق، قرآن کریم با ممنوعیت ربا خواری، اهداف مهمی چون ثبات اقتصادی، عدالت توزیعی و استقلال اقتصادی را مدنظر داشته است.

۳- تأکید بر پرداخت حقوق

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴾^۲.

ترجمه: و اوست کسی که باغهایی با داربست (چپله) و بدون داربست (چپله) و خرماين و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق [بینویان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.

این آیه، درس خداشناسی را همراه با اجازه مصرف خوارکی‌ها و رسیدگی به طبقات محروم و انفاق به آنان و اعتدال داشتن و زیاده‌روی نکردن در مصرف و انفاق، بیان می‌کند.

در مجموع، قرآن کریم نگاه جامعی به اقتصاد و توزیع ثروت دارد و بر برقراری عدالت اقتصادی تأکید می‌ورزد.

۱- تفسیر ابن کثیر جلد ۶، صفحه ۲۸۹، سوره الروم، آیه ۳۹.

۲- {الأ‌نعام/۱۴۱}.

ج: عدالت خانوادگی

قرآن مجید حقوق و تعاملات خانوادگی را نیز تنظیم نموده است: این نوع عدالت به حفظ حقوق زن و مرد، حقوق کودکان و رعایت اصول اخلاقی در خانواده می‌پردازد.^۱ به عباره دیگر قرآن کریم بر عدالت و برابری در روابط خانوادگی و نقش زن و مرد در خانواده تأکید فراوان دارد. از منظر قرآن، عدالت خانوادگی به معنای رعایت حقوق متقابل زن و مرد، حفظ کرامت و انسانیت افراد، تقسیم مسئولیت‌ها و عدم تبعیض جنسیتی است. قرآن مجید در آیات متعددی به نقش و جایگاه زن در خانواده اشاره می‌کند و به برابری زن و مرد تأکید دارد. الله متعال بر قرآن کریم فرموده است:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴾^۲.

ترجمه: ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است. الله متعال نیز فرموده است:

﴿ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ﴾^۳

ترجمه: و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به يك [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالك شده‌اید [اكتفا کنید] این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال‌وار گردید].

۱- ابتهام السيد عبد الكريم المدني (۲۰۰۹م) المرأة بين الحقوق والواجبات في ضوء القديم والحديث، مجلة آفاق جامعية، قسم الإعلام والعلاقات العامة، جامعة الكوفة، السنة الأولى، العدد (۳)، ص ۲.

۲- {النساء/۱}.

۳- {النساء/۳}.

الله متعال مورد عدالت خانواده گی نیز تاکید دارد و می فرماید: ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسْتَزِضِعْ لَهُ أُخْرَىٰ﴾^۱.

ترجمه: همانجا که [خود] سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد.

در کل می توان گفت: عدالت خانوادگی در قرآن به معنای برابری و تکریم زن، تقسیم عادلانه مسئولیت ها در خانواده و حفظ کرامت و حقوق متقابل زن و مرد است.

د: عدالت میان ملل

موضوع عدالت اجتماعی و بین المللی یکی از مهم ترین مباحث اخلاقی و سیاسی در اسلام است و قرآن کریم کریم بر آن تأکید فراوانی دارد. این نوع عدالت به حفظ حقوق کشورها، عدالت در تجارت و روابط بین المللی و رفع تبعیض های سیاسی و اقتصادی می پردازد. الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۲.

ترجمه: خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست.

۱- {سوره الطلاق/۶}.

۲- {النساء/۵۸}.

در این آیت و آیات دیگر تأکید شده است که عدالت و انصاف از مهمترین اصول اساسی اسلام است. خداوند متعال به مؤمنان دستور می دهد که بین خود و همه مردم، صرف نظر از نژاد، مذهب، موقعیت و موقعیت اجتماعی، عدالت را برقرار کنند. عدالت و انصاف بین ملتها و مردمان امری است که مورد پسند و محبوب خداوند می باشد.

این فقط برخی از انواع عدالت های قرآنی هستند که در قرآن کریم مورد بحث و تأکید قرار گرفته اند. قرآن مجید در کل به عدالت به عنوان یک اصل برجسته در تمامی ابعاد زندگی انسانی تأکید دارد و تلاش می کند تا به تشکیل جامعه ای عادلانه و انسانی کمک کند.^۱

مبحث دوم: ویژه گی های عدالت اجتماعی

مطلب اول: ویژگی ها و موضوعات مرتبط به عدالت اجتماعی

الف: ویژگی ها

طوری که قبلاً گفته شد: عدالت اجتماعی به معنای برابری و انصاف در میان اعضای جامعه نیست. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴾^۲.

ترجمه: در حقیقت خدا به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید. این آیه علاوه بر عدالت فردی، به موضوع عدالت اجتماعی نیز ارتباط دارد. در واقع، پیام اصلی این آیه در ارتباط با نظام عدالت اجتماعی به شرح زیر است:

۱- نگاه شود: سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام، تفسیر سورة النساء/ ۵۸

۲- {النحل/ ۹۰}.

- خداوند متعال در این آیه به مسأله ی عدالت به طور کلی اشاره می کند که شامل عدالت در همه سطوح جامعه می شود. این بدان معنا است که مسئولان و حاکمان جامعه نیز باید در تصمیم گیری ها و اجرای قوانین به عدالت پایبند باشند.
- توصیه خداوند به "إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ" (دادن حقوق به خویشاوندان) می تواند به حقوق شهروندی در سطح جامعه تعمیم داده شود. همه مردم باید از حقوق برابر برخوردار باشند.
- ممنوعیت رفتارهای منکر و بَغی (ستم) در این آیه، به معنای مبارزه با هرگونه تبعیض و ستم اجتماعی است که باید از جامعه ریشه کن شود.
- الله متعال در این آیه به حاکمان و مسئولان جامعه تأکید می کند که عدالت را در همه شئون اجتماعی برقرار کنند و از هرگونه بی عدالتی و ستم بپرهیزند.^۱

بنابراین، این آیه علاوه بر بُعد فردی، به موضوع عدالت اجتماعی نیز اشاره دارد و بر لزوم برقراری عدالت در همه سطوح جامعه تأکید می کند. که برخی از مهم ترین ویژگی های عدالت اجتماعی به طور ذیل توضیح داده می شود:

۱- برابری در حقوق و فرصت ها

همه افراد جامعه باید از حقوق و فرصت های برابر برخوردار باشند، بدون توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی، نژادی، جنسیتی و غیره. الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۲.

ترجمه: خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست.

۱- نگاه شود: محمد علی الصلابی (۲۰۱۵م) العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن کثیر، ط ۱، ص: ۱۷۲-۱۷۶.

۲- {النساء / ۵۸}.

این آیه قرآنی به موضوع برابری در حقوق و فرصت‌ها مرتبط است که در چند نکته ذیل توضیح داده می‌شود:

- برگرداندن امانت‌ها به صاحبانشان، به معنای رعایت حقوق و احترام به همه افراد جامعه است، فارغ از موقعیت اجتماعی آنها.

- قضاوت عادلانه بین مردم، به معنای توزیع منصفانه حقوق و فرصت‌ها در جامعه است و تبعیض را رد می‌کند.

- خداوند این دستورات را "بسیار نیکو" می‌داند، زیرا موجب ایجاد یک جامعه عادلانه و برابر برای همه خواهد شد.

برابری در حقوق و فرصت‌ها، به معنای فراهم کردن شرایط مساوی برای پیشرفت و موفقیت همه افراد جامعه، اعم از زن و مرد، غنی و فقیر، مسلمان و غیرمسلمان است.^۱

پس می‌توان گفت این آیه، اصل برابری را به عنوان یک ارزش اساسی اجتماعی مطرح می‌کند و بر ضرورت اجرای آن تأکید دارد. این موضوع با مفاهیم حقوق بشر و توسعه پایدار نیز پیوند دارد.

۲- رفع تبعیض

جامعه عادلانه باید تبعیض‌ها و نابرابری‌های موجود را شناسایی و رفع کند تا همه افراد بتوانند به طور برابر به منابع و امکانات دسترسی پیدا کنند. الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلُؤُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۲.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف

۱- نگاه شود: سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام، تفسیر سورة النساء/ ۵۸.

۲- {النساء/ ۱۳۵}.

دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

از این آیه قرآنی در مورد رفع تبعیض و عدالت اجتماعی چند نکته مهم قابل استنباط است: عدالت و انصاف باید بر اساس شهادت و گواهی برای خداوند باشد، نه بر اساس هوا و هوس یا منافع شخصی.

در اجرای عدالت، نباید هیچ تبعیضی بر اساس وضعیت اقتصادی (فقیر یا غنی) وجود داشته باشد. همه افراد در شرع الهی برابر هستند.

تعصب و دل‌بستگی به خویشاوندان نیز نباید مانع از اجرای عدالت شود. عدالت باید بر همه به طور یکسان اعمال شود.

این آیه مسلمانان را به پرهیز از پیروی از هوای نفس و جلوگیری از هرگونه انحراف از مسیر عدالت فرا می‌خواند.

در نهایت، خداوند بر همه اعمال آگاه است و هیچ چیزی را پنهان نمی‌ماند. بنابراین باید با احساس مسئولیت در برابر خداوند، عدالت را اجرا کرد.^۱

همچنان این آیه، مبنایی قوی برای مفهوم عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های موجود ارائه می‌دهد که آن را باید سرلوحه‌ی هر جامعه عادلانه قرار داد.

توزیع عادلانه ثروت و درآمد: ثروت و درآمد جامعه باید به گونه‌ای توزیع شود که فاصله طبقاتی کاهش یابد و همه از سطح معقولی از زندگی برخوردار شوند. الله متعال فرموده است: ﴿

وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲﴾

۱- نگاه: أبو عبد الله، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م) الجامع لأحكام القرآن، معنى الآية ۱۳۵ من سورة النساء.

۲- [التوبة/۳۴].

ترجمه: و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند ایشان را از عذابی دردناک خیر ده.

این آیه به طور مستقیم به موضوع توزیع ثروت و درآمد به طور عادلانه مرتبط است. چند نکته در این زمینه:

این آیه محکوم کردن انباشت و ذخیره کردن ثروت بدون استفاده از آن برای اهداف نیکوکارانه و خیرخواهانه است.

اسلام بر ایجاد تعادل و عدالت در توزیع ثروت و درآمد تأکید دارد. این آیه به عنوان یک دلیل قرآنی برای این موضوع محسوب می شود.

انباشت ثروت بدون استفاده از آن در راه خدا و خیر عمومی، موجب ایجاد نابرابری و تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص می شود که این امر با اهداف عدالت اجتماعی در اسلام مغایرت دارد.

بنابراین می توان گفت این آیه مؤید اصل توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه است و به عنوان یک دلیل قرآنی برای این موضوع به شمار می رود.

در مجموع، این آیه ارتباط مستقیمی با موضوع توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه دارد و بر لزوم چنین توزیعی تأکید می کند.

برابری در دسترسی به خدمات عمومی: خدمات عمومی مانند تعلیم، صحت، تغذیه آب و علاج باید به طور برابر و منصفانه در اختیار همه اقشار جامعه قرار گیرد^۱.

۱- قرآن کریم در مورد دسترسی به خدمات عمومی و حقوق شهروندی موارد متعددی را مطرح کرده است که می توان به برخی از آنها اشاره کرد:

حق مسکن و زندگی: در سوره طلاق، آیه ۶ قرآن به موضوع حق مسکن و زندگی برای همه اشاره کرده است.
حق آب و تغذیه: در سوره عبس، آیه ۲۴-۳۲ به موضوع حق دسترسی به آب شرب و تغذیه مناسب اشاره شده است.
حق آموزش و تحصیل: در سوره مجادله، آیه ۱۱ و سوره زمر، آیه ۹ به موضوع حق آموزش و تحصیل برای همه شهروندان تأکید شده است.
حق درمان و بهداشت: در سوره یونس، آیه ۵۷ و سوره شعراء، آیات ۸۰-۸۲ به موضوع حق دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی اشاره شده است.

الله متعال فرموده است: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ. أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا. ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا. فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا. وَعِنَبًا وَقَضْبًا. وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا. وَحَدَائِقَ غُلْبًا. وَفَاكِهَةً وَأَبًّا. مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾^۱.

ترجمه: پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم آنگاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم پس در آن دانه رویانیدیم و انگور و سبزی و زیتون و درخت خرما و باغهای انبوه و میوه و چراگاه [تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد. وجه استدلال در این سوره مبارکه الله متعال به موضوع حق دسترسی به آب شرب و تغذیه مناسب اشاره کرده است که از جمله خدمات اساسی و عمومی به شمار می رود.

ونیز الله متعال فرموده است: ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَيْرٌ ۚ﴾^۲.

ترجمه: خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است. وجه استدلال الله متعال در این آیت متبرکه بر حق آموزش و تحصیل برای همه شهروندان اشاره کرده است.

۳- مشارکت در تصمیم گیری ها

شهروندان باید در فرایندهای تصمیم گیری در سطوح مختلف جامعه مشارکت داشته باشند تا منافع همه در نظر گرفته شود^۳. قرآن کریم بر مشارکت و تصمیم گیری جمعی در جامعه اسلامی تأکید دارد و فرموده ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ۝۱۵۹﴾^۴

حق امنیت و عدالت: در سوره نساء، آیات ۵۸ و ۱۳۵ و سوره مائده، آیه ۸ به موضوع حق برخورداری از امنیت و عدالت تأکید شده است. بنابراین قرآن کریم بر تأمین حقوق اساسی شهروندان و دسترسی عادلانه به خدمات عمومی تأکید دارد و این امر از اصول مهم در نظام اسلامی به شمار می رود.

۱- سوره عبس، آیه ۲۴-۳۲.

۲- سوره مجادله/ ۱۱.

۳- Rawls, J. (۱۹۷۱). A theory of justice. Cambridge. Volume (۱), page ۱۰۳.

۴- سوره آل عمران/ ۱۵۹.

ترجمه: پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد. و نیز الله متعال فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^۱

ترجمه: و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. وجه استدلال آیات فوق قرآن کریم بر اهمیت مشورت و تصمیم گیری جمعی در امور مختلف تأکید دارد. وجه استدلال اینکه: این ویژگی ها درکل منجر به ایجاد جامعه ای می شوند که در آن همه افراد از حقوق و فرصت های برابر برخوردار بوده و شرایط برای پیشرفت همه فراهم می گردد.

ب: اهداف تطبیق عدالت در اجتماع

مهمترین اهداف عدالت اجتماعی به شرح زیر هستند:

۱- برقراری تساوی و برابری بین افراد جامعه

یکی از اصلی ترین اهداف عدالت اجتماعی ایجاد یک جامعه برابر است که در آن تبعیض و نابرابری بین افراد وجود نداشته باشد.^۲

۲- تأمین حقوق و آزادیهای اساسی برای همه

هدف دیگر عدالت اجتماعی تضمین برخورداری همه افراد جامعه از حقوق و آزادیهای اساسی مانند حق زندگی، آزادی بیان، آزادی مذهب و غیره است.

۱- الشوری/۳۸.

۲- محمد سلیم العوا(بی، تا) مقصد العدل في القرآن الکریم، مصر، الفرقان، ص ۱.

ج: تأمین امنیت و رفاه اجتماعی

از دیگر اهداف عدالت اجتماعی، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه است. این امر شامل تأمین نیازهای اساسی مانند سرپناه، غذا، صحت و آموزش می شود. الله متعال فرموده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱.

ترجمه: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم. وجه استدلال این آیه بر اهمیت ایمان و تقوا در زندگی افراد و جوامع تأکید دارد و تاثیر مهم برای تأمین امنیت و رفاه اجتماعی ارائه می کند.

۳- توزیع عادلانه امکانات و ثروت

یکی دیگر از اهداف مهم عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه و متوازن امکانات و منابع در جامعه است تا فرصتهای برابری برای همه افراد ایجاد شود.^۲

د: مظاهر عدالت اجتماعی

در اینجا چند مثال از عدالت اجتماعی ارائه می دهیم:

۱- فرصت های برابر در قسمت تعلیم و تربیه

فراهم کردن امکان دسترسی همه افراد به آموزش باکیفیت، بدون توجه به وضعیت اقتصادی-اجتماعی یا موقعیت جغرافیایی آنها است که شامل ارائه کمک های مالی، تسهیلات و امکانات آموزشی در مناطق محروم می شود. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^۳

۱-سوره اعراف/۹۶.

۲-نگاه شود: محمد علی الصلابی (۲۰۱۵م) العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن کثیر، ط ۱، ص: ۱۷۲-۱۷۶..

۳-العلق/۱-۵.

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است، همان کس که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت. وجه استدلال از آیه فوق اینست که الله متعال در آیات مذکور به خواندن امر نموده است و تعلیم را لازمه آن قرار داده است. یعنی انسان باید تعلیم حاصل نماید، بدون در نظر داشت هیچ نوع تمایل به تبعیض.

۲- مراقبت‌های صحی همگانی

ارائه خدمات پزشکی و درمانی مناسب برای همه افراد جامعه، بدون توجه به در آمد یا پوشش بیمه‌ای آنها. این به معنای دسترسی برابر به دارو، تجهیزات طبی و امکانات صحی و علاج است. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

ترجمه: و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. و نیز الله متعال فرموده است: ﴿مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾^۲.

ترجمه: از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.

۱-سوره بقره / ۱۹۵.

۲-سوره المائده / ۳۲.

وجه استدلال آیات فوق بر ارزش حیات انسان‌ها و اهمیت حفاظت از آن تأکید دارد. در واقع، نجات جان یک انسان معادل نجات جان تمام بشریت است. این موضوع بر ضرورت توجه به مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی برای حفظ و ارتقای سلامت انسان‌ها تأکید می‌کند. بنابراین، این آیات قرآنی به وضوح بر اهمیت مراقبت‌های صحیح همگانی و ارزش حیات انسان‌ها تأکید می‌نماید و مسلمانان را به توجه بیشتر به این موضوع حیاتی دعوت می‌کند.

۳- سیستم مالیاتی عادلانه

اخذ مالیات عادلانه از افراد و شرکت‌های با درآمد و ثروت بالاتر به منظور تأمین منابع مالی برای ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی به افراد کم‌درآمد و آسیب‌پذیر. الله متعال فرموده است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

ترجمه: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست.

وجه استدلال بنابراین، آیات قرآنی بر ضرورت ایجاد یک نظام مالیاتی عادلانه و مبتنی بر انفاق در راه خدا تأکید دارند تا از تمرکز ثروت در دست افراد خاص جلوگیری شود و امکان تأمین نیازهای عمومی جامعه فراهم گردد.

و نیز الله متعال فرموده است: ﴿وَأْتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^۲

ترجمه: و حق [بینویان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.

۱- سوره توبه/۱۰۳.

۲- سوره الأنعام/۱۴۱.

۴- نظام تقاعد و امنیت اجتماعی

ایجاد سیستم تقاعد و تأمین اجتماعی قوی که بتواند از افراد سالمند و ناتوان در جامعه حمایت کند و شرایطی را برای زندگی کریمانه آنها فراهم کند. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾^۱

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز]

اطاعت کنید.

۵- برنامه‌های حمایت از اقشار ضعیف

اجرای طرح‌های حمایتی مانند کمک‌های غذایی، مسکن ارزان‌قیمت و کمک‌های مالی به افراد کم‌درآمد و محروم برای بهبود وضعیت معیشتی آنها.^۲

الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ

وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۳

ترجمه: صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که

دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده

اختصاص دارد [این] به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است. این آیه به

صراحت به پرداخت زکات و صدقات به فقرا، مساکین و سایر اقشار نیازمند جامعه اشاره می‌کند.

این موارد برخی از جنبه‌های مهم عدالت اجتماعی هستند که به تحقق برابری و رفاه اجتماعی

در جامعه کمک می‌کنند.

۱-سوره نساء/۵۹.

۲-صادق گلستانی، (بی، تا) جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام، مقاله علمی، مریبان، سال ششم، شماره (۲۱)، ص ۲۱.

۳-سوره توبه/۶۰.

مطلب دوم: نقش عدالت در بوجود آمدن جامعه سالم

عدالت یک عنصر بسیار مهم در شکل گیری و توسعه جامعه سالم است. نقش عدالت در ایجاد جامعه سالم به چند طریق است:

الف: تقسیم عادلانه منابع و فرصت ها

یک جامعه سالم نیازمند توزیع عادلانه ثروت، امکانات و فرصت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این مسئله از نابرابری های افراطی جلوگیری کرده و به همبستگی اجتماعی کمک می کند. الله متعال در این مورد فرموده است: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱﴾

ترجمه: آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

ب: برخورداری همه از حقوق و خدمات اساسی

یک جامعه سالم باید تمامی شهروندان را از حقوق اساسی مانند سلامت، آموزش، مسکن و... برخوردار نماید. این مسأله احساس امنیت و تعلق افراد را افزایش می دهد. الله متعال در این مورد می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ "همانا خداوند به شما امر میکند که امانتها را به صاحبان آنها باز گردانید..."

این آیه به وظیفه حاکمان و مسئولان در برابر مردم و تأمین حقوق اساسی آنها اشاره دارد.

۱- سوره حشر، ۷.

۲- سوره نساء، ۵۸.

ب: تضمین بی طرفی و برابری در قوانین و مقررات

وجود قوانین و مقررات بی طرفانه و برابر برای همه شهروندان، موجب افزایش اعتماد عمومی به

نظام حقوقی و سیاسی می شود. ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۱

ترجمه: و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید. وجه استدلال این آیه بر لزوم

بی طرفی برابری و عدالت ورزی در تصمیم گیری ها و قضاوت ها تأکید دارد. و نیز الله متعال می

فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ

أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۲

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و

البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر

است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. وجه استدلال این آیت متبرکه

بر لزوم حفظ بی طرفی و انصاف در همه امور تأکید می کند.

ج: مبارزه با فساد و تبعیض

یک جامعه سالم باید با هرگونه فساد اداری، اقتصادی و سیاسی، و همچنین تبعیض علیه اقلیت ها

و گروه های آسیب پذیر مقابله کند و این باعث می شود، جامعه مترقی و پیشرفته به وجود بیاید و

کار به اهل آن سپرده شود.

الله متعال در این مورد فرموده ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۳

ترجمه: اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات

مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان [هم خوب] می دانید.

۱- سوره نساء / ۵۸.

۲- سوره المائده / ۸۱.

۳- سوره بقره / ۱۸۸.

وجه استدلال این آیه بر پرهیز از هرگونه فساد مالی و سوء استفاده از قدرت حاکمه تأکید دارد. بنابراین عدالت به عنوان یک ارزش و اصل اساسی، نقش کلیدی در شکل‌گیری و استحکام

جامعه سالم و پایدار دارد. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۱

ترجمه: و آنانند که به آخرت یقین دارند.

مفسرین کرام تحت عنوان همین آیه نگاشته‌اند: این آخرین نشانه است. آخرین نشانه‌ای که دنیا را با آخرت، و آغاز جهان را با سرانجام جهان، و کردار را با کیفر ربط می‌دهد. نشانه‌ای که به انسان می‌فهماند که او بچه‌ی سرراهی بی‌سرپرستی نیست که در پهنه‌ی هستی مهمل و بی‌فایده به خود واگذاشته شده باشد، و بیهوده آفریده نشده است و بیهوده هم رها نمی‌گردد. بلکه باید بدانند که عدالت مطلق الهی در انتظار او است تا بدین وسیله دلش آرام گیرد، و طوفان آشفتگی و پریشان‌خاطریش فروکش کند و آرامش یابد، و به سوی کردار پسندیده برگردد و بدان مبادرت ورزد، و در پایان این گشت و گذار در پناه عدالت و رحمت خداوند جهان قرار گیرد.^۲

بنا بر آنچه که تذکر داده شد، می‌توان گفت که ضمیر زنده و احساس مسئولیت اخلاقی نیز می‌تواند که نقش مهمی در برقراری عدالت اجتماعی داشته باشد. زیرا ضمیر زنده باعث می‌شود افراد به حقوق و رفاه دیگران نیز توجه کنند، نه فقط به منافع شخصی خود. همچنین ضمیر زنده می‌تواند منجر به همدردی، همکاری و همبستگی اجتماعی شود که پایه و اساس تحقق عدالت است.

با این حال، ضمیر زنده به تنهایی کافی نیست. عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی نیز باید در نظر گرفته شوند. برای مثال، سیستم‌های قانونی و حقوقی باید به طور عادلانه و فراگیر عمل کنند تا بتوانند حقوق همه افراد را محافظت کنند. همچنین توزیع منابع و ثروت باید منصفانه باشد تا فرصت‌های برابری برای همه ایجاد شود.

۱-سوره بقره/۴.

۲- سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام جلد (۱)، ص ۳.

در نتیجه، می توان گفت که ضمیر زنده یک عامل مهم است اما در کنار دیگر عوامل اجتماعی و سیاسی باید در نظر گرفته شود تا بتوان به عدالت اجتماعی واقعی دست یافت. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱.

ترجمه: و (بخاطر آورید) آنگاه را که خدای ابراهیم، او را با سخنانی (مشمتمل بر اوامر و نواهی و تکالیف و وظائف، و از راههای مختلف و با وسائل گوناگون) بیازمود و او (بخوبی از عهدهی آزمایش برآمد و) آنها را به تمام و کمال و به بهترین وجه انجام داد، (خداوند به او) گفت: من تو را پیشوای مردم خواهم کرد. (ابراهیم) گفت: آیا از دودمان من (نیز کسانی را پیشوا و پیغمبر خواهی کرد؟ خداوند) گفت: درخواست تو را پذیرفتم، ولی پیمان من به ستمکاران نمی رسد (بلکه تنها فرزندان نیکوکار تو را دربرمی گیرد).

ستمکاری و ظلم، رنگهای گوناگون و انواع مختلفی دارد: ستم به خود به وسیلهی شرک ورزیدن، و ستم به مردم به وسیلهی تعدی و کارهای ناروا؛ اما مراد از پیشوائی و امامتی که ستمکاران از آن بی بهره بوده و برای آنان ممنوع و سزاوار ایشان نیست، هر نوع پیشوائی و امامتی را شامل است: امامت پیغمبری، امامت خلافت، امامت نماز... و هر گونه امامت و قیادت دیگری... عدالت به هر معنی و مفهومی که باشد، اساس شایستگی چنین امامتی و پایه‌ی استحقاق چنین پیشوائی است، حال این امامت و پیشوائی در هر چهره و شکلی و به هرگونه و نقشی که باشد، یکسان است. هرکس ستم کند - هر نوع ستم و به هر رنگی که باشد - خود را از حق امامت محروم کرده است و صلاحیت پیشوائی را در همه‌ی انواع آن، از دست داده است.^۲

این همان چیزی بود که به ابراهیم علیه السلام گفته شد و بدو گوشزد گردید. و این همان پیمانی است که عیناً و بدون هر گونه پیچ و پناهی و هر نوع پیچیدگی و گره و گرفتگی، بلکه ساده و روان و

۱- [البقره/ ۱۲۴].

۲- نگاه شود: محمد علی الصلابی (۲۰۱۵م) العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن کثیر، ط ۱، ص: ۱۸۰.

پوست‌کنده، یهودیان را قاطعانه از مقام رهبری و پیشوائی برکنار کرد، و علت آن هم ستمی بود که کردند، و فسق و فجوری بود که آغازیدند و از فرمان خدا بدر رفتند و گردنکشی و سرپیچی پیشه کردند و از عقیده‌ی نیای خود ابراهیم سرباز زدند.

این سخن همان چیزی است که به ابراهیم علیه السلام گفته شد و به او گوشزد گردید، این همان پیمانی است که عیناً و بدون هرگونه پیچ و پناهی و هر نوع پیچیدگی و گره و بندی، بلکه ساده و روان و پوست‌کنده، مسلمانانی را که امروزه خود را مسلمان می‌نامند، قاطعانه از مقام رهبری و پیشوائی برکنار می‌کند. سبب این هم ظلمی است که می‌ورزند، و فسق و فجوری است که می‌آغازند و از فرمان خدا بدر می‌روند، و گردنکشی و سرپیچی پیشه می‌سازند و از راه خدا دور می‌شوند، و شریعت و قانون الهی را به پشت‌گوش و پس‌پشت می‌اندازند.

آخر ادعای اسلامیت کردن، ولی شریعت خدا و قانون الهی را از متن و نظام زندگی بدور افکندن، ادعای دروغینی بیش نیست و براساس و پایه‌ای از عهد و پیمان خدا بند نیست^۱.

۱- نگاه شود: سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام جلد تفسیر آیه ۱۲۴.

فصل سوم

مهمترین مباحث قرآنی پیرامون عدالت اجتماعی

مبحث اول: راهکارها، و ابعاد عدالت اجتماعی در قرآن کریم

مطلب اول: راهکارهای عدالت اجتماعی در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیات متعددی به موضوع عدالت اجتماعی و راهکارهای تحقق آن اشاره دارند. برخی از مهم‌ترین این راهکارها عبارتند از:

الف: برابری و عدم تبعیض

قرآن کریم بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که همه انسان‌ها از لحاظ کرامت و حقوق انسانی برابرند و هیچ تبعیضی بر اساس نژاد، قوم، جنسیت و غیره پذیرفته نیست. الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۱.

ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

مفسرین در تفسیر این آیه کریمه گفته‌اند: بدین منوال و بر این روال همه اسباب کشمکشها و دعوها در زمین از میان برمی‌خیزد و از دیده‌ها نماند می‌شود، و همه معیارها و ارزشهایی که مردمان بر آنها گرد می‌آیند سبک و ناچیز می‌گردد، و سبب بزرگ روشنی برای همایش و همکاری پدیدار می‌گردد، و آن الوهیت خدا برای همگان، و آفرینش انسانها از اصل یگانه‌ای است. همچنین پرچم یگانه‌ای بالا می‌رود و جملگی برای ایستادن در زیر آن بر همدیگر سبقت می‌گیرند، و آن: پرچم

۱- (الحجرات/۱۳).

تقوا در ظل توجهات خدا است. این پرچم در حقیقت یگانه پرچمی است که اسلام آن را برافراشته است تا انسانها را از مانعها و سدهای نژادگرایی، زمین پرستی، قبیله گرایی، و خانه و کاشانه پرستی، نجات می دهد. همه اینها از جاهلیت برمی خیزد و به جاهلیت برمی گردد، و در جامه های گوناگونی جلوه گر می آید، و نامهای گوناگونی بدان داده می شود. همه آنها جاهلیت است و دور از اسلام است! اسلام با این تعصب جاهلی در همه شکلهای و صورتهایی که به خود می گیرد می جنگد، تا سیستم و نظام انسانی جهانی خود را در سایه پرچم یگانه ای که پرچم خدا است برقرار و استوار دارد. این پرچم، پرچم میهن پرستی، پرچم نژادگرایی، پرچم خانه و کاشانه پرستی، و پرچم قبیله و عشیره نیست. چه همه این پرچمها پوچ و نادرست هستند و اسلام آنها را به رسمیت نمی شناسد^۱. ابو هریره رضی الله عنه گفته که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَفَخَرَهَا بِالْأَبَاءِ ، النَّاسُ بَنُو آدَمَ ، وَآدَمُ مِنْ تَرَابٍ ، مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ ، لَيْتَنَهَيِّنَ أَقْوَامٌ يَفْتَخِرُونَ بِرَجَالٍ إِنَّمَا هُمْ فَحْمُ جَهَنَّمَ ، أَوْ لَيَكُونُنَّ أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجِعْلَانِ الَّتِي تَدْفَعُ بِأَنْفِهَا النَّيْنَ الْجِعْلَانِ^۲)

یعنی الله متعال کبر و غرور زمان جاهلیت را از شما برداشت، و فخر کردن به پدران را نیز از بین برد، همه مردم فرزندان آدم هستند، و آدم از خاک آفریده شده است، که فرزندانش مومن و یا هم فاجر می باشند، مردمانی که به آباء و اجدادشان افتخار می کنند و می نازند زغال جهنم اند؛ باید این کار را به پایان ببرند و از آن دست بکشند، و الا در پیشگاه الله بزرگوار خوارتر و پست تر از قانغوزک ها خواهند بود».

این اساسی است که جامعه اسلامی بر آن برقرار و استوار می گردد. جامعه اسلامی همان جامعه انسانی جهانی است که انسانها می کوشند در عالم رویاهای بلند پروازانه خود نوعی و شکلی از انواع و اشکال آن را پیاده کنند و تحقق بخشند، ولی شکست می خورند، چون راه یگانه ای را در پیش

۱- همان مرجع تفسیر سورة الحجرات، آیه ۱۳.

۲- محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، الترمذی، أبو عیسی (۱۳۹۵ ق). سنن الترمذی، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، باب في التفاخر بالأحساب جلد (۱) حدیث شماره: ۲۹۶۵.

نمی‌گیرند که راست و درست است و به خدا می‌رسد ... آن راهی که به سوی خدا است ... هم بدان خاطر انسانها شکست می‌خورند چون در زیر پرچم یگانه‌ای که همه را در زیر خودگرد می‌آورد نمی‌ایستند و آن پرچم خدا است^۱.

ب: توزیع عادلانه ثروت

قرآن به مسئله نابرابری اقتصادی و تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص اشاره کرده و راهکارهایی چون زکات، خمس و ممنوعیت رباخواری را برای توزیع عادلانه ثروت در جامعه ارائه کرده است. به عنوان نمونه، آیه «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۲.

ترجمه: آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

به این موضوع اشاره دارد.

۱- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

قرآن بر لزوم حمایت از افراد آسیب‌پذیر جامعه مانند یتیمان، فقرا، نیازمندان و محرومان تأکید دارد. این امر در آیاتی مانند «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ»^۳.

ترجمه: اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید و [مال پاک] و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید.

۱- سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام جلد (۱)، تفسیر سورة الحجرات، آیه ۱۳.

۲- [حشر: ۷].

۳- [النساء: ۲۱].

« وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ^۱ »

ترجمه: و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود.

به موضوع عدالت اجتماعی اشاره دارد. در این آیه، خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که در اموال خود، حقی برای افراد نیازمند (سائل و محروم) قرار دهند.

این آیه بر اهمیت توجه به نیازمندان و توزیع عادلانه ثروت در جامعه تأکید می‌کند. از دیدگاه اسلام، ثروت باید به گونه‌ای توزیع شود که همه افراد جامعه از آن بهره‌مند شوند و فقر و محرومیت ریشه‌کن گردد. این آیه، به مؤمنان دستور می‌دهد تا بخشی از اموال خود را به افراد محتاج اختصاص دهند تا عدالت اجتماعی برقرار شود.

در واقع، این آیه بیانگر مسئولیت مؤمنان در قبال نیازمندان جامعه است و در راستای تحقق عدالت و برابری اجتماعی از آنان می‌خواهد که به دیگران کمک کنند. این موضوع، یکی از اصول مهم اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود. مسئولیت‌پذیری حاکمان:

قرآن مجید بر سهم و مسئولیت حاکمان در برقراری عدالت اجتماعی تأکید دارد و ایشان را مکلف به اجرای آن می‌داند. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ^۲» در این خصوص بسیار گویاست.

مجموعه این راهکارها، چارچوب جامعی را برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند الگویی برای سایر جوامع باشد.

مطلب دوم: ابعاد عدالت از نظر قرآن

از منظر قرآن کریم، ابعاد مختلفی برای عدالت وجود دارد که شامل موارد زیر است:

۱- [الذاریات/۱۹].

۲- (نساء: ۵۸).

الف: عدالت با نفس

عدالت با نفس به معنای آن است که شخص در همه ابعاد زندگی خود، اعم از اعمال، اقوال، افکار و احساسات، عادل و منصف باشد و با خود به عدالت و انصاف رفتار کند. این مفهوم ریشه در آموزه‌های دینی اسلام دارد و یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت و تعالی نفس محسوب می‌شود. الله متعال فرموده است: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۱

ترجمه: سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار و هر که آلوده اش ساخت قطعاً در باخت. عدالت با نفس شامل موارد زیر است:

مدیریت صحیح بر نفس و کنترل هواهای نفسانی: یعنی فرد باید بر تمایلات و خواسته‌های خود تسلط داشته و آنها را مهار کند تا در اعمال و رفتارش منصفانه و عادلانه باشد. الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۲.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. در این آیه کریمه دیده می‌شود که شخص، شرعاً مکلف است تا به عدالت

۱-سوره شمس/۷-۱۰.

۲-النساء/۱۳۵.

در مورد خود نیز قایم و استوار، باشد و این یگانه قانونی است که برتری خود را بر سایر قوانین ناقص بشری، حفظ می کند.^۱

پرهیز از ظلم به خود: فرد نباید به خود ظلم کند و حقوق خود را پایمال نماید. باید به خود رحم و شفقت داشته باشد. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبِغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲.

ترجمه: و چون آنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید و [لی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید و هر کس چنین کند قطعاً بر خود ظلم نموده است و آیات خدا را به ریشخند مگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله] آن به شما اندرز می دهد به یاد آورید و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا به هر چیزی داناست. و نیز فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾^۳.

ترجمه: ای پیامبر چون زنان را طلاق گوید در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا پروردگارتان بترسید آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است نمی دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید

۱- یحیی عبدالله بن عبد الجف (۲۸/۱۱/۲۰۲۱) العدالة من منظور القرآن الکریم، موقع الجزيرة، ص ۱.

۲- [البقرة/۲۳۱].

۳- [الطلاق/۱].

آورد. از آیات فوق معلوم می شود که فرد باید حقوق و نیازهای خود را به درستی شناخته و آنها را رعایت کند و باید در همه جنبه های زندگی خود اعتدال و تعادل را مد نظر داشته و از افراط و تفریط پرهیز نماید^۱.

در نهایت، عدالت با نفس پایه ای برای عدالت اجتماعی است. زیرا وقتی فردی با خود عادل و منصف باشد، می تواند این صفات را در روابط با دیگران نیز اعمال کند.

ب: عدالت با دیگران

از دیدگاه قرآن، عدالت ورزیدن با دیگران بسیار مهم و ارزشمند است. قرآن بر این موضوع تأکید فراوان داشته و آن را از اصول اساسی دین اسلام معرفی کرده است.

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع عدالت پرداخته و مسلمانان را به رفتار عادلانه با دیگران فرا میخواند. برخی از این آیات عبارتند از:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ^۲

"خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان میدهد."

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ^۳

"ای کسانی که ایمان آوردهاید! قائم به عدالت باشید، گواه خدا باشید، هرچند به زیان خود یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد."

همچنین قرآن به مسلمانان دستور میدهد که حتی در جنگ و محاصره نیز با دشمنان خود عادلانه و منصفانه رفتار کنند:

۱- نگاه شود: المنتخب في تفسير القرآن الكريم للمجلس الأعلى للشؤون الإسلامية - تفسير سورة البقرة - الآية ۲۳۱.

۲- (النحل: ۹۰).

۳- (النساء: ۱۳۵).

"وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوۡا ۗ اَعْدِلُوۡا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی"

"و کینه و دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که عدالت نورزید. عدالت کنید که این به تقوا نزدیکتر است."

بنابراین در نگاه قرآن، عدالت ورزیدن با همگان از جمله مهمترین تکالیف مسلمانان است که باید در تمامی شئون زندگی به آن پایبند باشند.

ج: عدالت در گفتار

قرآن کریم سخن را به عنوان یکی از علایم بزرگ الهی معرفی کرده و احادیث صحیحیه بر لزوم استفاده صحیح و عادلانه از آن تأکید می کند. از دیدگاه قرآن، سخن ابزاری است که انسان می تواند با آن به ارتقای معنوی و اخلاقی خود بپردازد یا آن را به سوءاستفاده و آسیب رساندن به دیگران به کار گیرد.

قرآن بارها بر رعایت حقوق دیگران در گفتار تأکید می کند.

الله متعال فرموده است: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰی وَبِعَهْدِ اللّٰهِ اَوْفُوا ذٰلِكُمْ وَصَاكُم

بِه لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوۡنَ ۗ﴾^۲.

ترجمه: و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرایید هر چند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که متذکر و هوشمند شوید. و نیز می فرماید:

﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ ۗ﴾^۳.

ترجمه: و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه آوازخران

است.

۱- (المائدة: ۸).

۲- [الأعام/۱۵۲].

۳- [لقمان/۱۹].

ونیز می فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۱

ترجمه: با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.

ونیز می فرماید: ﴿وَإِذَا حُيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾^۲.

ترجمه: چون به شما درود گفته شد شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید یا همان را [در

پاسخ] برگردانید که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است.

از آیات فوق قرآن هویدا گردید که در مجموع، قرآن مجید گفتار عادلانه را به عنوان خاصیت

اصلی مؤمنان معرفی می کند و مسلمانان را به رعایت اصول اخلاقی و معنوی در سخن گفتن فرا

می خواند. این امر می تواند به ایجاد صمیمیت، اعتماد و همدلی در جامعه اسلامی کمک کند.

مبحث دوم: اساسات عدالت اجتماعی

مطلب اول: آزادی وجدانی

وجدان یک وضعیت نفسانی است که باعث می شود انسان نسبت به افکارش، بیشتر تحت تاثیر

احساسات خود، باشد^۳.

وجدان بیدار باعث ایجاد احساس درونی روانشناختی شخص بر حق او به عدالت اجتماعی،

می شود. به عبارت دیگر، وجدان بیدار موجب می شود که فرد خود را مستحق و سزاوار عدالت

اجتماعی بداند.

وجدان بیدار موجب "باور به اینکه عدالت اجتماعی به اطاعت از خدا و واقعیت انسانی والایتر

منتهی می شود" می گردد. این باور و نگرش معنوی به عدالت اجتماعی، آن را تقویت و تضمین

می کند.

۱-سوره بقره/۸۳.

۲-سوره نساء/۸۶.

۳-معجم المعانی، ماده: وجد.

وجدان بیدار همچین "نیاز جامعه به عدالت اجتماعی" را درک می‌کند. این درک موجب می‌شود که فرد نه فقط خود را سزاوار آن بداند؛ بلکه آن را ضرورتی برای جامعه نیز بشناسد.^۱ الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۲.

ترجمه: شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ اما خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست.

و نیز فرموده است: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾^۳

ترجمه: و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند.

و نیز فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۴.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به عدالت برخیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۱- علی محمد الصلابی، العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن کثیر، (۲۰۱۵م)، ص ۱۷۲.

۲- البقرة/۲۶۸.

۳- سوره یونس/۹۹.

۴- المائدة/۸.

وجه استدلال از آیه فوق اینست که عدل در اینجا به معنای عدم ظلم می باشد، و ظلم از جمله بزرگترین معاصی است که باعث مفساد زیادی می گردد^۱. که انسان مسلمان بر اساس وجدان ایمانی خود آن را به بهترین شکل عملی می نماید.

وقتی تنها خداوند متعال عبادت شود و تنها از او یاری و کمک خواسته شود به حقیقت وجدان انسانی از زبونی و خواری در برابر نظامها و اوضاع و اشخاص، نجات می یابد، همانگونه که از دست مذلت افسانه‌ها و خیالات و خرافات رها می گردد.

نیروهای انسانی نسبت به مسلمان، دو نوع است: یکی نیروهای راه یافته که به خدا باور و ایمان دارد و راستای خداشناسی را در پیش می گیرد، در این صورت بر مسلمان لازم است که چنین نیروئی را پشتیبانی کند، و آن را در کارهای نیک و راست و درست یاری دهد و در راه اصلاح و حق گوئی و حق جوئی یاور آن باشد.

دیگری نیروی گمراه و سرگشته است که منتهی به خدا نمی گردد و راه او را در پیش نمی گیرد. بر مسلمان لازم است که با این نیروی گمراه و سرگشته بجنگد و به مبارزه و نبرد برخیزد و بر آن بتازد. مسلمان نباید ترس و خوفی به خود راه دهد از اینکه این نیروی گمراه و سرگشته ستبر و نیرومند و سرکش باشد. چه این نیرو، چون گمراه و سرگشته است به علت گم کردن سرچشمه‌ی نخستین خود - نیروی پروردگار - قوت حقیقی خویش را از دست می دهد و خوراک همیشگی و دائمی که توانائی آن را نگاه می دارد و بدو مدد می بخشد، از دسترس بدور می ماند. این، همانند ماده‌ی قطور و ستبری است که از ستاره‌ی افروخته‌ای جدا شود. چندان نمی گذرد که این جرم هر چند هم قطعه‌ی بزرگی باشد، نور خود را از دست می دهد و به خاموشی می گراید و سرد می شود^۲.

۱- محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (۱۹۹۰ م) تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، جزء (۶)، ص ۲۲۷.

۲- سید قطب (۱۴۳۰ق) تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، نوار اسلام جلد (۱)، سورة الفاتحة آیه ۴.

به طور کلی، نقش وجدان بیدار در عدالت اجتماعی، ایجاد انگیزه، معنویت و همبستگی اجتماعی است که پایه و اساس پایدار بودن عدالت اجتماعی را فراهم می‌آورد.

مطلب دوم: مساوات انسانی

مساوات انسانی یکی از اصول اساسی عدالت اجتماعی است. این بدان معناست که همه انسان‌ها دارای ارزش و حقوق برابر هستند و نباید هیچ تبعیضی بر اساس جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی و... صورت گیرد. مساوات انسانی باعث می‌شود همه افراد جامعه به طور برابر از منابع و امکانات برخوردار شوند. مساوات انسانی زمینه‌ساز برخورداری همگان از فرصت‌های برابر برای رشد و تحقق استعدادهای خود است. همچنان مساوات اجتماعی مانع تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی می‌شود که خود عامل اصلی نقض عدالت است. مساوات انسانی بر اصل کرامت و منزلت ذاتی انسان‌ها استوار است که پایه و اساس عدالت اجتماعی محسوب می‌شود.^۱ الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^۲.

ترجمه: و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

از این آیه می‌توان نکات زیر را استنباط کرد:

خداوند بنی آدم (انسان‌ها) را گرامی داشته و به آنها کرامت بخشیده است. این کرامت و ارزش ذاتی انسان ریشه در آفرینش و خلقت الهی او دارد.

۱- علی محمد الصلابی، العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن کثیر، (۲۰۱۵م)، ص ۱۷۲.

۲- {الإسراء / ۷۰}.

خداوند انسان را در خشکی و دریا (بر روی زمین و دریا) حمل و نگهداری می کند و روزی های پاکیزه و مطلوب را به او ارزانی می دارد. این امر نشانه توجه و عنایت ویژه خداوند به انسان است.

خداوند انسان را بر بسیاری از مخلوقات دیگر خود برتری و فضیلت بخشیده است. این برتری و فضیلت ریشه در جایگاه والای انسان در آفرینش الهی دارد.

به طور کلی، این آیه بر ارزش و کرامت ذاتی انسان، تکریم و توجه ویژه الهی به او و برتری و فضیلت او بر سایر مخلوقات تأکید می کند. این نشان دهنده جایگاه ممتاز و ویژه انسان در نزد خداوند است^۱. و نیز الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۲.

ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

همچنان الله متعال فرموده است: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ

۱- نگاه: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (۱۴۲۰ق) تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان - تفسير سورة الإسراء - الآية ۷۰

۲- {الحجرات/۱۳}.

أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١﴾

ترجمه: و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد، در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید، ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است، ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

وجه استدلال: از آیات فوق الذکر فهمیده می‌شود که عدالت اجتماعی یک مفهومی جامع شامل و فراگیر است که عدالت بین افراد را در دادن حقوق و تکالیف در نظر دارد و این اصل در دین اسلام کاملاً تثبیت شده است، بنابراین مسلمانان برادر یک دیگر محسوب می‌شوند آنها در حقوق و تکالیف برابرند و هر یک در برابر خداوند متعال نسبت به اعمالی که انجام داده به عدالت مسئول و پاسخگو هستند.

مطلب سوم: تکافل اجتماعی

تکافل اجتماعی به معنای همبستگی و مراقبت متقابل اعضای جامعه از یکدیگر می باشد.^۱ این مفهوم بر چند اصل اساسی استوار است:

حمایت از نیازمندان: بر اساس آموزه‌های قرآنی، افراد توانمند موظف به حمایت مالی و معنوی از افراد نیازمند جامعه هستند. این شامل فقرا، یتیمان، بیماران، سالمندان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر می شود. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۲.

ترجمه: از تو می پرسند چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند] بگو هر مالی انفاق کنی به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به مسافر تعلق دارد و هر گونه نیکی کنی البته خدا به آن داناست.

این آیه بر اهمیت تکافل اجتماعی و مسئولیت افراد در قبال نیازمندان و آسیب‌پذیران جامعه تأکید دارد و آن را یک وظیفه دینی و اخلاقی معرفی می کند.

پرداخت زکات و انفاق: یکی از ارکان اصلی تکافل اجتماعی در اسلام، پرداخت زکات و انفاق به نیازمندان است.^۳ این وظیفه نه تنها بر افراد بلکه بر جامعه به طور کلی تحمیل شده است. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿لَا يَرْفُقُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ﴾^۴.

ترجمه: صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده اختصاص دارد [این] به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است

۱- تکافل اجتماعی - مفهوم و نطاق تکافل الاجتماعي (ب، ت) جلد (۱)، ص ۱.

۲- [البقره / ۲۱۵].

۳- تکافل الاجتماعي - مفهوم و نطاق تکافل الاجتماعي (ب، ت) جلد (۱)، ص ۲.

۴- [التوبه / ۶۰].

این آیه فهرستی از گروه‌های مستحق دریافت صدقات را ذکر می‌کند که شامل فقرا، مساکین، کارگزاران زکات، مؤلفه‌القلوب، بردگان، بدهکاران، مجاهدان در راه خدا و مسافران است.

الف: همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

اسلام تأکید فراوانی بر همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد. افراد در قبال یکدیگر و جامعه خود مسئول هستند و باید به نیازهای یکدیگر توجه کنند. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱.

ترجمه: و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

این آیه بر همکاری در امور خیر و پرهیزکاری تأکید می‌کند و از همکاری در امور گناه و تجاوز نهی می‌نماید.

در کل، تکافل اجتماعی در اسلام به معنای همبستگی، همیاری و مسئولیت‌پذیری متقابل افراد و گروه‌های مختلف جامعه در جهت رفع نیازهای یکدیگر و برقراری عدالت اجتماعی است که در فوق تذکر داده شد.

مطلب چهارم: پیامدهای تطبیق عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی می‌تواند پیامدهای مثبت متعددی داشته باشد که به طور ذیل توضیح داده می‌شود:

الف: آموزش

دسترسی برابر به آموزش باکیفیت برای همه شهروندان، نقش محوری در توسعه عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. این امر ضمن افزایش سطح دانش و مهارت‌های شهروندان، زمینه را برای شکوفایی

۱- [المائده/۲].

استعدادها و افزایش تحرک اجتماعی فراهم می آورد. همچنین آموزش باکیفیت و فراگیر، به کاهش نابرابری فرصت ها و ارتقای مشارکت سیاسی شهروندان کمک می کند.

ب: حفظ محیط زیست

توزیع عادلانه منابع طبیعی و برخورداری برابر شهروندان از فرصت های استفاده از این منابع، به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار کمک می کند. همچنین ایجاد فرصت های برابر اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی، زمینه را برای تنوع فعالیت ها و کاهش آسیب به محیط زیست فراهم می آورد.

ج: امنیت غذایی

تحقق عدالت اجتماعی به ویژه در زمینه توزیع عادلانه منابع و دسترسی برابر به غذا، به تأمین امنیت غذایی و رفع مشکل گرسنگی در جامعه کمک می کند. این امر ضمن ارتقای سلامت شهروندان، به افزایش بهره وری و رشد اقتصادی نیز منجر می شود.

در مجموع، تحقق عدالت اجتماعی زمینه را برای ارتقای ابعاد مختلف توسعه پایدار از جمله آموزش، محیط زیست و امنیت غذایی فراهم می آورد. این موضوع نقش بسیار مهمی در ایجاد یک جامعه باثبات، پویا و توسعه یافته ایفا می کند^۱.

مطلب پنجم: نمونه هایی از عدالت محمد صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین

الف: نمونه از عدالت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

بزرگترین نمونه عدالت حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) که در منابع معتبر تاریخی و حدیثی ذکر شده است، مربوط به واقعه "فتح مکه" است.

بر اساس روایت صحیح البخاری، پس از فتح مکه توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) در سال ۶۳۰ میلادی، ایشان به شهر مکه وارد شدند. در آن زمان، مکه یکی از مراکز مهم قدرت و

۱- فهد المضحکی (العدد ۱۲۸۳۳ الاثنین ۲۷ مایو ۲۰۲۴ الموافق ۱۹ ذوالقعدة ۱۴۴۵) ماذا تعني العدالة الاجتماعية، صحيفة الأيام البحرينية، ص ۱.

مرکزیت مخالفان اسلام بود. با وجود این، پیامبر (صلی الله علیه و سلم) با نهایت عدالت و بخشایش با مردم مکه برخورد کردند.

قریشیان در مسجدالحرام تجمع کرده و صف در صف ایستاده بودند و منتظر بودند که ببینند آنحضرت چه می‌کنند؟! حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم دو طرف چارچوب در خانه کعبه را با دست گرفتند و خطاب به قریشیان که زیر آستانه در کعبه جای داشتند، چنین فرمودند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدُهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ. الْأَكْلُ مَأْتِرَةٌ أَوْ دَمًا أَوْ مَالٍ فَهُوَ تَحْتَ قَدَمِي هَاتَيْنِ، إِلَّا سِدَانَةَ الْبَيْتِ أَوْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ، أَلَا وَإِنَّ قَتِيلَ الْحَطَايَا شِبْهَ الْعَمْدِ فَفِدْيَةٌ مُغْلَطَةٌ: مَائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ مِنْهَا أَرْبَعُونَ فِي بَطُونِهَا أَوْلَادُهَا». «بجز خدای یکتا خدایی نیست، خداوندی که او را همتا و شریک نیست. به وعده‌اش وفا کرد، بنده‌اش را نصرت داد، و همه دستجات دشمن را شکست داد. او یکتا و تنهاست. هان، هرگونه امتیاز قبیلگی یا طلب مال یا خونخواهی زیر این دو پای من است، بجز سدانیت بیت الله الحرام و سقاییت حاجیان! هان، قتل غیر عمد- با تازیانه و عصا- همانند قتل عمد است، و دیه آن مضاعف است: یکصد شتر که چهل تایی آن‌ها بچه شتر در شکم داشته باشند!».

«یا معشر قریش، إن الله قد أذهب عنكم نخوة الجاهلية وتعظمها بالآباء. الناس من آدم، و آدم من تراب». «ای جماعت قریشیان، خداوند نخوت جاهلیت و تفاخر و مفاخرت، به پدران و نیاکان را از شما دور ساخته است. مردم همه از آدم‌اند، و آدم هم از خاک!».

آنگاه، این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

حَبِيرٌ ﴿١﴾

ترجمه: هان ای مردم، ما شما همه را از دو انسان نر و ماده آفریده‌ایم و شما را به تیره‌ها و طایفه‌های گوناگون منسوب گردانیده‌ایم، تا بتوانید یکدیگر را شناسایی کنید، گرامی‌ترین شما نزد

خداوند پارساترین شما است، خداوند به همه چیز دانا و از همه حال باخبر است!».»

پس از آن، فرمودند:

«یا معشر قریش، ما ترون أني فاعل بكم!». «فکر می کنید من با شما چه رفتاری بکنم!».

گفتند: رفتار نیک! برادر کریم ما و برادرزاده کریم ما هستید؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز

فرمودند:

«فإني أقول لكم كما قال يوسف لإخوته: لا تثريب عليكم اليوم!». «من هم به شما همان را

می گویم که یوسف به برادرانش گفت: هیچ دردسر و نگرانی امروز برای شما نخواهد بود!».

«أذهبوا فأنتم الطلقاء». «بروید که شما هم آزادید!».

آنگاه، رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مسجد الحرام نشستند. علی در حالیکه کلید کعبه در

دست پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بود، نزد ایشان به پاخواست و گفت: ای رسول خدا، پرده دار و

سدانت کعبه را با سقایت حاجیان برای ما در نظر بگیرید. خداوند بر شما درود فرستد! به روایت

دیگر، کسی که این درخواست را از آنحضرت کرد، عباس بود. رسول خدا صلی الله علیه وسلم

فرمودند: (این عثمان بن طلحه؟) عثمان بن طلحه کجاست؟ وی را نزد آنحضرت فراخواندند،

آنحضرت به او فرمودند: «هاك مفتاحك يا عثمان!» بفرما، این کلید تو، ای عثمان؟! «الیوم یوم برّ

ووفاء» امروز روز نیکی و وفاداری است!؟ بنا به روایت ابن سعد در طبقات آمده است که حضرت

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) وقتی که کلید کعبه را به او بازگردانیدند، به او گفتند:

«خذوها خالدة تالدة، لا ينزعها منكم إلا ظالم. یا عثمان، إن الله استأمنكم علی بيته، فكلوا مما

یصل إليکم من هذا البيت بالمعروف». «آن را برگیر برای همیشه و جاودانه! بجز ستمگران هیچکس

این سَمَتِ کلیدداری را از شما سلب نمی کند. ای عثمان، خداوند شما را بر خانه خویش امین قرار

داده است، شما نیز هر آنچه در پرتو حرمت این خانه به شما می رسد، در حدّ متعارف استفاده

کنید؟!».»

وقت نماز فرا رسید. رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) دستور دادند بلال بالا برود و برفراز کعبه اذان گوید: ابوسفیان بن حرب و عتّاب بن أسید و حارث بن هشام در جوار کعبه نشسته بودند. عتّاب گفت: خدا در حق پدرم أسید کرامت کرد که زنده نماند تا صدای این اذان را بشنود، و از شنیدن آن به خشم آید! حارث گفت: هان بخدا، اگر می دانستم که وی بر حق است از او پیروی می کردم؟! ابوسفیان گفت: هان بخدا، من هیچ چیز نمی گویم، اگر چیزی بگویم همین سنگریزه ها برای او خبر می برند! پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر سر آنان فراز آمدند و گفتند: «قد علمت اللّٰدی قلمم» از همه آن سخنانی که با یکدیگر گفتید باخبر شدم! و همه آن سخنانشان را برایشان بازگفتند.

حارث و عتّاب گفتند: شهادت می دهیم که شما رسول خدا هستید! بخدا، احدی نزد ما نبود که بگوییم از این گفتگوی ما باخبر شده و به شما رسانیده باشد!^۱

این رویکرد عادلانه و بخشنده پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) در زمان فتح مکه، یکی از بزرگترین نمونه های عدالت ایشان در طول حیات مبارک خود محسوب می شود.

ب: نمونه ای از عدالت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

یکی از نمونه های برجسته عدالت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در دوران خلافتش اینست که ابن اسحاق گوید: زهری برایم نقل کرد که انس بن مالک برایش گفت: هنگامی که در سقیفه با ابوبکر بیعت شد، فردای آن روز ابوبکر بر منبر نشست ... تا آنجا که گوید: آنگاه خدا را حمد و ثنا گفت به همان شیوه ای که لایق و شایسته او بود. سپس گفت: ای مردم، همانا من به خلافت رسیده ام در حالی که بهتر از شما نیستم. پس اگر نیکی کردم، مرا یاری کنید و اگر بدی کردم، مرا راست گردانید. صدق و راستی، امانت است و دروغ، خیانت. ضعیف شما در نزد من قوی است تا اینکه إن شاء الله ضعف وی را برطرف کنم، و قوی شما در نزد من ضعیف است تا اینکه إن شاء الله حق را از وی بستانم. هر قومی که جهاد در راه خدا را کنار گذارند، خداوند ذلت و خواری را نصیبشان می

۱- صفی الرحمن مبارکفوری (۱۴۲۳ق)، الریح المخبوم (خورشیدنوت)، ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی، ط: ۱، کتاب خانه مجازی قلم، جلد (۱)، ص: ۳۴۱-۳۴۲.

کند و هر قومی، گناهان بزرگ (همچون زنا) و کارهای زشت و ناروا پخش گردانند، خداوند بلا و مصیبت را شامل حالشان می‌گرداند. تا زمانی که در اطاعت خدا و رسول خدا هستم، از من اطاعت کنید و هر گاه خدا و رسول را نافرمانی کردم، از من اطاعت نکنید. برای نماز برخیزید، رحمت خدا بر شما باد^۱.

این داستان نشان‌دهنده عدالت و اهتمام ابوبکر صدیق رضی الله عنه به رعایت حقوق مردم و عدم تحمیل هرگونه فشار و باج‌گیری بر آنان است. او به عنوان خلیفه، مایل نبود که حتی یک دینار اضافه بر زکات واجب از مردم گرفته شود.

این نمونه روشنی از عدالت و انصاف ابوبکر صدیق رضی الله عنه در رهبری و حکومت است.

ج: نمونه ای از عدالت عمر فاروق رضی الله عنه

در مورد عدالت عمر بن الخطاب (رضی الله عنه)، فرمانروای دوم مسلمانان، نمونه‌های بسیاری وجود دارد که نشان از رعایت کامل عدالت در حکومت وی دارد. مردی از مصر نزد عمر رضی الله عنه آمد و از عمرو بن عاص (فرماندار مصر) شکایت می‌کرد، او خطاب به عمر گفت: ای امیر المؤمنین! به خاطر ظلمی که در حقم شده است به شما پناه می‌جویم. عمر گفت: به پناهگاه، پناه آورده‌ای. مرد گفت: من در مسابقه‌ی اسب دوانی از پسر عمرو بن عاص والی مصر سبقت گرفتم او مرا با شلاق زد و گفت: من فرزند گرامی‌ترین مردم هستم تو از من سبقت می‌گیری؟ عمر رضی الله عنه به عمرو بن عاص نامه‌ای نوشت و دستور داد که با فرزندش به مدینه بیاید. وقتی آمدند، عمر رضی الله عنه آن مرد مصری را فراخواند و شلاق‌ی به دستش داد و گفت: فرزند گرامی‌ترین مردم را بزنی. مصری شلاق را به دست گرفت و محکم چند ضربه به پشت پسر عمرو وارد کرد و آن قدر به او ضربه وارد کرد که آرزو می‌کردیم از آن دست بردارد، سپس عمر، خطاب به مرد مصری گفت: چندین تازیانه‌های هم بر سر و کله‌ی طاس پدر این اشراف زاده بچرخانید. مرد مصری گفت: کافی

۱- محمد بن ابراهیم بن ابراهیم بن حسان (ب.ت) کتاب سلسله مصابیح الهدی - خطبة أبي بكر بعد توليه الخلافة، الشبكة الإسلامية، ص/ ۹.

است که من همان کسی را زدم که مرا زده بود و پدرش را نمی‌زنم. عمر رضی الله عنه رو به عمرو کرد و گفت: از کی مردم را به بردگی گرفته‌اید، در حالی که مادرانشان آن‌ها را آزاد به دنیا آورده‌اند؟^۱.

د: نمونه از عدالت عثمان رضی الله عنه

عثمان، همیشه، والیان خود را به رعایت عدالت و رأفت و عطوفت نسبت به مردم سفارش می‌نمود و اولین نامه‌ای که بعد از به خلافت رسیدن به والیان نوشت، همین مسایل را مورد تأکید قرار می‌داد: بدانید که خداوند عزوجل به رهبران امت دستور داده است که حافظ و سرپرست مردم باشند و نه مالیات بگیر و طلبکار آنان. بدانید که نخستین رهبران این امت، حافظ و سرپرست امت بودند، و نه خراج بگیر و مالیات جمع کن. ممکن است در آینده رهبران امت به خراج بگیر و مالیات بگیر مردم تبدیل شوند و از امور دین و دنیای آنان غافل شوند که در این صورت شرم و حیا و احترام از بین می‌رود و دیگر میان آنان و حکومت حس امانت‌داری و وفاداری باقی نمی‌ماند. بدانید که بهترین و درست‌ترین شیوه حکومت آن است که در مسایل ملت دقت نظر شود و از آن غفلت ننمود و حقوق آنان را رعایت نمود و در عین حال انجام وظایف آنان را در قبال حکومت چون پرداخت زکات و مالیات، از ایشان بخواهید. در مورد اهل ذمه نیز به همین صورت رفتار کنید. نسبت به دشمنان و پیمان‌های خود با آنان وفادار باشید تا شاید آنان نیز به راه حق آیند.^۲ در این نامه، عثمان سیاست‌های خود را به والیان ابلاغ می‌نماید تا براساس آن حکومت کنند. این سیاست‌ها عبارتند از: رعایت حقوق مسلمانان، مطالبه مالیات و زکاتی که آنان باید به بیت‌المال بپردازند، رعایت حقوق اهل ذمه و همچنین مطالبه جزیه و خراجی که پرداخت آن بر ایشان واجب است و رعایت امانت‌داری و وفاداری نسبت به همه حتی دشمنان، در نظر گرفتن اصل عدالت در تمامی شئون مذکور و این که نباید هم و غم والیان در جهت جمع‌آوری مالیات و خراج از مردم باشد.^۳ عثمان در

۱- محمد باکریم محمد باعبدالله (۱۴۰۹ق) وسطیه اهل السنه بین الفرق. محمد باکریم. دارالریة للنشر والتوزیع، ص ۱۷۰.

۲- أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری (۱۳۸۷ هـ) تاریخ طبری، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار المعارف بمصر ۲۴۴/۵.

۳- عبدالعزیز العمری (۱۹۸۷م) الولاية على البلدان في عصر الخلفاء الراشدين، الرياض / ۲۱۵/۱.

کنار تشریح اصول کاری، مسایل مربوط به نحوه درست و صحیح اداره ولایات را به آنان یادآور می‌شد. او نه تنها والیان را از رهنمودهای خود بهره‌مند می‌ساخت بلکه تمامی آحاد و اقشار مختلف مردم را به رعایت مسایلی که خود آن‌ها را مصححت می‌دید سفارش و ملزم می‌نمود. از جمله این مسایل، تدوین یک مصحف واحد در مدینه و زیر نظر صحابه بود که پس از ارسال آن به مناطق مختلفی چون کوفه، بصر، مکه، مصر، شام، بحرین، یمن و جزیره، به مردم دستور داد تنها براساس قرائت آن مصحف قرآن را تلاوت نمایند.^۱

پس از این اقدام، عثمان به مردم فرمان داد تا دیگر مصحف‌ها و صحیفه‌ها را جمع کرده و آن‌ها را آتش زنند که این کار با موافقت اجماع صحابه حاضر در مدینه صورت گرفت و خود علی بن ابی طالب نیز آن را بیان داشته است.^۲ همچنین عثمان دوست داشت که والیان او در میدان جهاد و فتوحات، با هم به رقابت بپردازند و به همین دلیل به ابن عامر و سعید بن عاص اعلام نمود که هر کدام بتوانند سرزمین وسیع خراسان را فتح نمایند. امیر آن‌جا خواهد شد و جهت نیل به این هدف جدی بود که ابن عامر، خراسان را فتح نمود و سعید، منطقه طبرستان را به تصرف در آورد.^۳ در ضمن او، گاه پیش می‌آمد که اقدامات والیان را منوط به رعایت شروطی می‌کرد تا مصالح مسلمانان حفظ شود. به عنوان نمونه، چون معاویه بن ابی سفیان، از عثمان درخواست نمود که اذن دریانوردی و حرکت به جانب قبرص را به او بدهد، عثمان شرط گذاشت که خود معاویه با همسرش، در این سفر حضور داشته باشند و نیز معاویه، هیچ سربازی را ملزم به حضور در آن جنگ نکند. معاویه نیز طبق این شرط، خود و همسرش سوار بر کشتی شده و در این جنگ حضور داشتند.^۴

۱- عمر بن شبة (واسمه زید) بن عبیده بن ربیطة النمیری البصری، أبو زید (۱۳۹۹ هـ) تاریخ المدینة، تحقیق: فہیم محمد شلتوت، جدة، جلد (۳)، ص ۹۹۷.

۲- تاریخ المدینة ۳/۹۹۵-۹۹۶.

۳- أحمد بن إسحاق (أبی یعقوب) بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی (۱۴۲۲ هـ) البلدان، دار الکتب العلمیة، بیروت / ۱۶۶/۲.

۴- عبدالعزیز العمری (۱۹۸۷ م) الولاية علی البلدان فی عصر الخلفاء الراشدين، الرياض، جلد (۱) ص ۲۱۶.

ه: نمونه ای از عدالت علی بن ابی طالب رضی الله عنه

بعد از شهادت عثمان (رضی الله عنه) به علی رضی الله عنه بیعت داده شد، اما دوران خلافت وی پر از فتنه‌ها و نبردهای پی در پی بود، طوری که به طور موقت مسلمانان را از اتمام رسالت جهانی شان دور گردانیده بود؛ آن رسالت جهانی که با فتوحاتی در عهد ابوبکر شروع شده بود و در طول عهد عمر و مدّت زیادی از عهد عثمان هم ادامه داشت. از این لحاظ ایشان برای اتمام فتوحات فرصت کافی نداشتند و تنها به اصلاحات داخلی و خاموش کردن فتنه‌ها روی آورد و اگر اجل به او فرصت می‌داد و دوران او خالی از فتنه و آشوب می‌بود، از نظر عدالت و استقامت و یمن و برکت برای اسلام و رحمت برای انسانیت، همانند عهد عمر از تابناک‌ترین دوران تاریخ اسلامی می‌بود.

با وجود فتنه‌هایی که خلافت او را احاطه کرده بود، علی (رضی الله عنه) برای اجرای حق، پافشاری می‌کرد و عدالت را اجرا می‌کرد و تسلیم فرمان الهی بود. در راهنمایی امت‌اش تلاش و کوشش می‌کرد و بهترین افراد را برای انجام امور انتخاب می‌نمود و افراد سهل‌انگار و تنبل را بازخواست می‌کرد. هرگز در گرفتن حق تسامح و سهل‌انگاری نمی‌کرد و در راه خدا از توییح و سرزنش هیچ ملامتگری بیم نداشت. در دنیا همانند یک فرد زاهد و دور از رفاه‌طلبی، زندگی را سپری می‌نمود و همان‌گونه که زندگی‌اش پر از جهاد و مبارزه بود، مرگ‌اش نیز به شهادت انجامید.

ابوسعید ازدی می‌گوید: روزی علی را در بازار دیدم که می‌گفت: چه کسی پیراهنی مناسب با قیمت سه درهم دارد؟ مردی جلو آمد و گفت: من پیراهن خوبی دارم. علی از پیراهن خوشش آمد و آن را خرید. اما هنگامی که آن را پوشید، دید که آستین‌هایش بلندتر از دست‌های اوست. از این رو، قسمت اضافی را برید، اما نامرتب و نامنظم شد. هنگامی که به خاطر پوشیدن آن پیراهن کم‌بها و نامرتب از او انتقاد کردند، در جواب گفت: با پوشش من چه کار دارید؟ این لباس مرا از تکبر و خودبزرگ‌بینی بسیار دور می‌کند و شایسته‌ی هر مسلمانی است که خود را با هر وسیله‌ی ممکن از

تکبر دور کند^۱.

در یکی از روزهای سرد زمستان، مردی نزد وی رفت و دید علی (رضی الله عنه) رواندازی کهنه پوشیده و از شدت سرما به خود می‌لرزد، آن مرد به او گفت: ای امیر مؤمنان! خداوند برای شما و اهل بیت‌تان از این بیت المال سهمی قرار داده، چرا از آن استفاده نمی‌کنید و این قدر به خود سخت می‌گیرید؟ علی (رضی الله عنه) گفت: شما را از مال و ثروتان محروم نمی‌کنم. من خود احتیاط می‌کنم و این همان رواندازی است که از مدینه با آن بیرون آمدم^۲.

برخی از نمونه‌های از عدالت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه عمر بن عبدالعزیز به عنوان یکی از خلفای عادل و مورد احترام شناخته می‌شود. برخی نمونه‌های از عدالت و اقدامات او به شرح زیر است:

- محدود کردن اختیارات حکام و امرا: عمر بن عبدالعزیز حکام و والیان را ملزم کرد که در حد اختیارات قانونی خود عمل کنند و از تجاوز به حقوق مردم جلوگیری کرد.
- عزل فاسدترین حکام اموی: او بسیاری از حکام فاسد و ستمگر را از مناصب خود برکنار کرد تا اصلاحات خود را در راستای عدالت اجتماعی پیش ببرد.
- مبارزه با رشوه خواری و فساد اداری: عمر بن عبدالعزیز دستور داد که هر کس در دوره‌ی قبل از او اموالی را به ناحق گرفته است، باید آن را پس بدهد.
- افزایش حقوق و معاش مستحقان: او دستور داد که به افراد نیازمند و مستحق، مستمری و مواجب بیشتری داده شود.
- رفتار عادلانه با غیرمسلمانان: عمر بن عبدالعزیز دستور داد که به ذمیان (غیرمسلمانان زیر پوشش دولت اسلامی) با عدالت و احترام رفتار شود.

۱- أبو العباس، أحمد بن عبد الله بن محمد، محب الدين الطبري (ب، ت) الرياض النضرة في مناقب العشرة، بيروت، دار الكتب العلمية، جلد (۲)، ص ۲۳۰.

۲- الرياض النضرة في مناقب العشرة، جلد (۲)، ص ۲۳۶.

- توجه به مظلومان و محرومان: او همواره به رسیدگی به حال مظلومان و محرومان جامعه توجه داشت و در این راستا اقدام می‌کرد.
به طور کلی، عمر بن عبدالعزیز با تمرکز بر عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون، در میان خلفای اموی جایگاه ویژه‌ای دارد.^۱

۱- أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری (۱۹۶۷م) تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوک، دار المعارف بمصر جلد (۶) صفحات ۴۷۳-۴۹۷.

نتائج

- ۱- عدالت اجتماعی در قرآن کریم یکی از مفاهیم کلیدی است که بر آن تأکید فراوانی شده است.
- ۲- قرآن کریم به طور مداوم بر برقراری عدالت در جامعه تأکید می کند و آن را از وظایف اصلی پیامبران و حکومت های اسلامی می داند.
- ۳- قرآن کریم تأکید می کند که همه انسان ها نزد خداوند برابرند و تفاوت های نژادی، جنسیتی، اجتماعی و اقتصادی نباید مانع برقراری عدالت شود.
- ۴- قرآن کریم بر توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه تأکید می کند و با نهي از انباشت ثروت و تأکید بر پرداخت زکات و صدقات، به دنبال بر هم زدن بی عدالتی اقتصادی و ایجاد تعادل در جامعه است.
- ۵- قرآن کریم بارها به حمایت از افراد ضعیف و محروم در جامعه اشاره کرده و آن را وظیفه حکومت های اسلامی و افراد توانمند جامعه می داند.
- ۶- قرآن کریم همواره بر مبارزه با فساد، ستم و تبعیض تأکید می کند و حکومت ها را موظف به برقراری عدالت و مبارزه با این پدیده ها می داند.
- ۷- عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم شامل برقراری برابری، توزیع عادلانه ثروت، حمایت از محرومان و مبارزه با فساد و تبعیض است. این مفاهیم بنیان اصلی جامعه اسلامی و هدف اصلی نزول قرآن کریم به شمار می آیند.

در مقایسه آثار گذشته و جدید که در بخش پیشینه تاریخی این اثر تذکر داده شده است، به نظر می‌رسد اثر جدید برتری‌های قابل توجهی را دارد که برخی از نقاط برتری این اثر جدید عبارتند از:

۱- **رویکرد جامع‌تر و منسجم‌تر:** اثر جدید به طور کلی تری به مفهوم عدالت اجتماعی پرداخته و ابعاد مختلف آن از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را به صورت منسجم مورد بررسی قرار داده است. این در حالی است که آثار گذشته معمولاً بر یک یا چند بعد خاص متمرکز بودند.

۲- استفاده از منابع و رویکردهای متنوع‌تر: این اثر جدید در تبیین مفهوم عدالت اجتماعی، بر منبع قرآنی خاص، و بدور از منابع فلسفی، حقوقی و اجتماعی، بهره گرفته است.

۳- **بهره‌گیری از دستاوردهای علمی جدید:** اثر جدید به طور مؤثرتری از دستاوردهای علمی جدید در حوزه‌های مختلف به ویژه علوم اجتماعی و اقتصادی برای تبیین و تحلیل موضوع عدالت اجتماعی استفاده کرده است. این امر به روزآمدی و کاربردی‌تر شدن آن منجر شده است.

۴- **نگاه انتقادی و ارائه راهکارهای عملی‌تر:** این اثر جدید به طور انتقادی‌تر به ارزیابی وضعیت عدالت اجتماعی در جوامع معاصر پرداخته و راهکارهای عملی‌تری برای تحقق آن ارائه کرده است. این در حالی است که آثار گذشته عمدتاً جنبه توصیفی و نظری داشتند.

۵- توجه بیشتر به چالش‌های نوظهور: اثر جدید به طور مؤثرتری به چالش‌های نوظهور در قسمت عدالت اجتماعی در دنیای متحول امروز پرداخته است. این امر به افزایش کاربرد و اهمیت آن در بستر جامعه کنونی کمک کرده است.

در کل این اثر جدید با رویکرد جامع‌تر، استفاده از منابع متنوع، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی جدید و نگاه انتقادی‌تر و عملی‌تر، در مقایسه با آثار گذشته، بوده و برتری قابل توجهی دارد.

نتیجه گیری

- ۱- قرآن کریم عدالت در اجتماع را از مهم ترین اهداف و مسئولیت های جامعه اسلامی می داند.
- ۲- برابری انسان ها در پیشگاه خداوند و عدم تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی و... یکی از ارکان اصلی عدالت اجتماعی در قرآن است.
- ۳- توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه، حمایت از محرومان و مستضعفان و مبارزه با فساد و تبعیض از دیگر ابعاد مهم عدالت اجتماعی در قرآن هستند.
- ۴- قرآن حکومت اسلامی و افراد توانمند جامعه را مسئول برقراری عدالت اجتماعی و محقق ساختن این اهداف می داند.
- ۵- عدالت مفهومی ریشه دار در طول تاریخ بشر بوده و پایه و اساس بسیاری از اصول اخلاقی و اجتماعی است.
- ۶- قرآن کریم نقش محوری و جداناپذیر عدالت همراه با حق و آزادی را همواره مورد تأکید قرار داده است.
- ۷- حق به عنوان معیار حیاتی عدالت و آزادی، زمینه را برای گسترش و تحقق عدالت فراهم می کند.
- ۸- ایجاد نظام و ساختارهای اجتماعی و سیاسی منطبق با اهداف پیامبران، یکی از کارکردهای اساسی عدالت اجتماعی است که نیازمند اصلاح درونی و تعهد جامعه به عدالت خواهد بود.
- ۹- قرآن کریم عدالت را نه تنها وسیله ای برای دستیابی به اهداف والاتر، بلکه هدفی ذاتی و درونی می داند که تحقق آن حیاتی و اساسی برای استقرار آرمان های دینی و الهی است.
- ۱۰- گسترش و تحقق عدالت، یکی از مهم ترین مسئولیت های فردی و اجتماعی در نگاه قرآنی است. این مطالعه به بررسی نقش این اصل مهم در اصلاح جامعه، رابطه آن با سایر مفاهیم و زمینه های تحقق آن از منظر قرآن می پردازد.

در مجموع، عدالت در اجتماع از منظر قرآن کریم مفهومی فراگیری است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد و تحقق آن هدف اصلی و وظیفه اساسی جامعه اسلامی است.

پیشنهادات

با توجه به اهمیت موضوع عدالت در اجتماع در آموزه های قرآن کریم، بهتر است که به تشریح و توضیح پیشنهادات خود در این زمینه پردازم:

- ۱- تقویت نهادهای قانونی و نظارتی برای مبارزه با فساد: تقویت دستگاه های نظارتی مانند دیوان محاسبات، اداره تفتیش و قوه قضاییه برای مبارزه جدی با فساد اداری و اقتصادی.
- ۲- ایجاد شفافیت در عملکرد دولت و نهادهای عمومی از طریق قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات.
- ۳- تقویت جایگاه نقش نهادهای مدنی و رسانه ها در نظارت بر امور اجرایی و مبارزه با فساد.
- ۴- اصلاح نظام مالیاتی و تأمین منابع مالی برای برنامه های عدالت محور.
- ۵- اصلاح ساختار نظام مالیاتی (زکات و ...) بر اساس مقدار درآمد و ثروت افراد.
- ۶- هدایت منابع مالی (معادن) به سمت برنامه های حمایتی و رفاهی برای اقشار کم درآمد.
- ۷- ایجاد نظام تأمین اجتماعی قوی برای تأمین حداقل معیشت برای افراد بی بضاعت.
- ۸- گسترش تکافل اجتماعی برای پوشش همگانی شهروندان.
- ۹- اجرای برنامه های کاریابی و توانمندسازی اقشار آسیب پذیر.
- ۱۰- تضمین دسترسی همگانی به تعلیم و تعلم با کیفیت از پیش دوره ابتدایی تا پوهنتون ها.
- ۱۱- تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی.
- ۱۲- افزایش نقش نهادهای مردمی و تشکل های مدنی در مشوره دهی.
- ۱۳- ایجاد فرصت های برابر برای مشارکت سیاسی جوانان و اقشار محروم.
- ۱۴- تقویت نظام های مشورتی و تعاملی بین حاکمیت و هموطنان.

امید است که این توضیحات بتواند چارچوب جامع تری از پیشنهادات من برای تحقق عدالت اجتماعی را از منظر قرآن کریم ارائه دهد.

منابع ومأخذ

القرآن الكريم.

- ١- ابن خلدون ، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمي ، مقدمه بيروت ، دالفكر للنشر والتوزيع جلد ، (ب، ت).
- ٢- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (ت ٧٧٤ هـ) تفسير القرآن العظيم، ط: ١، تحقيق: محمد حسين شمس، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - ١٤١٩ هـ.ق.
- ٣- ابتسام السيد عبد الكريم المدني، المرأة بين الحقوق والواجبات في ضوء القديم والحديث، مجلة آفاق جامعية، قسم الإعلام والعلاقات العامة، جامعة الكوفة، السنة الأولى، العدد (٣)، (٢٠٠٩م)
- ٤- أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل (١٦٤ - ٢٤١ هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٥- الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان الداودي، دمشق، دار القلم، الدار الشامية، ١٤١٢ هـ.ق.
- ٦- البخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، قاهره، موسوعة الحديث الشريف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، (بى، تا).
- ٧- البيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي ، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، ت ٦٨٥ هـ.ق.
- ٨- ترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى (ت ٢٧٩ هـ) الجامع الكبير (سنن الترمذي)، تحقيق: بشار عواد معروف، ط: ١، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ١٩٩٦.
- ٩- التكافل الاجتماعي - مفهوم ونطاق التكافل الاجتماعي (ب، ت).

- ١٠- الجرجاني، علي بن محمد بن علي بن زيد الشريف. التعريفات، تحقيق: جماعة من العلماء، بيروت دار الكتب العلمية، ١٤٠٣ هـ ق.
- ١١- الجوهري، أبو نصر إسماعيل بن حماد الفارابي، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ هـ ق.
- ١٢- الحسيني، محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة القلموني تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٠ م.
- ١٣- حكيمي، محمد رضا، جامعه سازي قرآني، قم، دليل ما، ١٣٨٩ هـ.
- ١٤- الحموي، أحمد بن محمد بن علي الفيومي أبو العباس، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، بيروت، المكتبة العلمية - (ب، ت).
- ١٥- الحنفي، كمال الدين محمد بن عبدالواحد بن عبدالحميد بن مسعود السيواسي، الشهير ب: ابن همام الدين الاسكندري، التحرير في أصول الفقه الجامع بين اصطلاح الحنفية والشافعية، القاهرة، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، ١٣٥١ ق.
- ١٦- الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: مجموعة من المحققين، سوريه دمشق، دار الهداية، ١٤٢٢ هـ ق.
- ١٧- سبحاني، جعفر معالم الحكومة الإسلامية، اصفهان، جلد (١)، ص ٤٠٩.
- ١٨- السعدي، عبدالرحمن بن ناصر (١٤٢٠ هـ). تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان تحقيق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٨ هـ ق.
- ١٩- سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، ترجمه: مصطفى خرم دل، نوار اسلام، (١٤٣٠ ق).
- ٢٠- الصلابي، علي محمد، سيرة أمير المؤمنين عمر بن الخطاب رضي الله عنه (الطبعة الأولى)، القاهرة: مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع والترجمة ٢٠٠٥ م.

- ٢١- الطبري ، أبو جعفر، محمد بن جرير ، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، مكة المكرمة ، دارالتربية والتراث، (ب.ت).
- ٢٢- طنطاوي، محمد سيد التفسير الوسيط للقرآن الكريم، القاهرة، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة، ١٩٩٧م.
- ٢٣- الطوسي، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي المستصفي، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٣ق.
- ٢٤- العسكري، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران، الفروق اللغوية ، تحقيق: محمد إبراهيم سليم، مصر، القاهرة، دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع، (ب،ت).
- ٢٥- الصلابي، علي محمد، العدالة الاجتماعية من منظور إسلامي، دار ابن كثير، (٢٠١٥م)
- ٢٦- القرطبي، أبو عبد الله، محمد بن أحمد الأنصاري تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، دار الكتب المصرية - القاهرة، ١٣٨٤ هـ ق،
- ٢٧- لخضر بن قومار - مفهوم العدل في الاسلام ونماذج من روائعه- مقاله علمي، ٢٠١٧م.
- ٢٨- محمد بن عيسى بن سَوْرَة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى سنن الترمذي، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، (١٣٩٥ ق).
- ٢٩- محمد هاشم عوض، معنى العدالة الاقتصادية، الألوكة، مقاله علمي، (١٩٨٤م)
- ٣٠- مروان عطيه و هيئة تحرير معجم المعاني، النسخة الإلكترونية، ٢٠٠٢ م.
- ٣١- المضحكي، فهد، صحيفة الأيام البحرينية، ماذا تعني العدالة الاجتماعية ، (العدد ١٢٨٣٣ الاثنين ٢٧ مايو ٢٠٢٤ الموافق ١٩ ذوالقعدة ١٤٤٥).
- ٣٢- المنتخب في تفسير القرآن الكريم للمجلس الأعلى للشؤون الإسلامية - ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.
- ٣٣- يحيى عبدالله بن عبد الجف، العدالة من منظور القرآن الكريم، موقع الجزيرة، (٢٠٢١/١١/٢٨).